انتظار ۴



امام مهدی در احادیث شیعه و سنّی

جمعی از محققان مرکز تخصصی مهدویت

بسم الله الرحمن الرحیم

انتظار ۴: امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در احادیث شیعه و سنی

نویسنده:

جمعی از محققین مرکز تخصصی مهدویت

ناشر چاپی:

بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (علیه السلام)

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

انتظار ۴: امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در احادیث شیعه و سنی

مشخصات کتاب

عنوان و نام پدیدآور : امام مهدی (عج) در احادیث شیعه و سنی/ جمعی از محققان مرکز تخصصی مهدویت محمد امین بالا دستیان ... [و دیگران].

مشخصات نشر : قم: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (عج)،مرکز تخصصی امامت و مهدویت، ۱۳۸۶.

مشخصات ظاهری : ۱۰۵ص.: جدول.؛ ۱۰ × ۲۰/۵س م.

فروست : انتظار؛۴.

شابک : ۶۰۰۰ ریال (چاپ اول) ؛ ۶۰۰۰ ریال: چاپ دوم : ۹۶۴-۷۴۲۸-۳۲-۴

وضعیت فهرست نویسی : برون سپاری.

یادداشت : جمعی از محققان مرکز تخصصی مهدویت محمد امین بالا دستیان ، محمد روحانی ، جواد جعفری ، مهدی یوسفیان.

یادداشت : چاپ اول : پاییز ۱۳۸۴.

یادداشت : چاپ دوم.

یادداشت : کتابنامه به صورت زیرنویس.

موضوع : محمدبن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ق. - -- احادیث

موضوع : محمدبن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ق. - -- احادیث اهل سنت

موضوع : مهدویت -- مطالعات تطبیقی

شناسه افزوده : بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (عج). مرکز تخصصی امامت و مهدویت

رده بندی کنگره : BP۲۲۴/الف۷۵۵ ۱۳۸۶

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۴۶۲

شماره کتابشناسی ملی : ۱۱۶۵۳۲۷

اشاره

انتظار «۴»

امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در احادیث شیعه و سنی

جمعی از محققان

مرکز تخصصی مهدویت

امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در احادیث شیعه و سنی (انتظار ۴)

جمعی از محققان مرکز تخصصی مهدویت

ناشر/ بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف

نوبت چاپ/ هشتم، زمستان ۱۳۹۲

شمارگان/ دو هزار نسخه

صفحه آرا/ عباس فریدی

بها/ ۲۰۰۰ تومان

مراکز پخش:

۱. قم: مرکز تخصصی مهدویت/خیابان شهدا / کوچه آمار (۲۲)/ بن بست شهید علیان

ص. پ: ۱۱۹-۳۷۱۳۵ / تلفن: ۷۷۳۷۸۰۱ /فاکس: ۷۷۳۷۱۶۰

۲. تهران: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف /ص.پ: ۳۵۵-۱۵۶۵۵ / تلفن: ۸۸۹۸۰۹۹۹-۸۸۹۸۱۳۸۹ / فاکس: ۸۸۹۸۱۳۸۹

WWW.IMAMMAHDI-S.COM

info@imammahdi-s.com

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۷۴۲۸-۳۲-۳

ص:۲

فهرست مطالب

ص:۴

مقدمه ناشر

اندیشه مهدویت، پاسخگوی کامل و جامع به خواسته و نیاز دیرین انسان ها در اصلاح وضعیت نابسامان زندگی بشری است.

مهـدویت نه فقـط برای فردای مبهم بشـریت، روشـنی و زیبـایی عرضه می کنـد که امروز بشـر نیز در گرو فهم و معرفت به این موضوع است. و نشـناختن امـام و راه، اهـداف و جایگـاه امـام و وظـایف مـا در قبـال او، همان زنـدگی جاهلی است که مرگ جاهلی را در پی دارد و روایات بسیاری به آن پرداخته اند.

بنیاد فرهنگی حضـرت مهدی موعود علیه السـلام به همت پژوهشـگران مرکز تخصصی مهدویت، در ادعای این مهم، مجموعه ای را به نـام «انتظـار» فراهم آورده تـا به تبیین مبـاحث و موضوعـات مختلف فرهنگ مهـدویت به صورت مختصـر و با حجمی اندک بپردازد. و در کنار فصـلنامه علمی تخصصـی انتظار که ویژه پژوهشـگران و متخصـصان است؛ رهنمون عموم علاقمندان گردد.

بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف

معاونت پژوهش

ص:۵

پیشگفتار

شناخت دین و ابعاد گوناگون آن، وظیفه تمامی مردم در همه دوران ها است. این شناخت وقتی معتبر و دقیق خواهد بود که بر اساس روش صحیح معرفتی به دست آید. بنابراین به حکم عقل، نخستین قدم در دین شناسی، رجوع به آورنده و تبیین کننده دین، برای یافتن روش شناخت است.

تأکیدات شارع مقدس، نشانگر آن است که شناخت اسلام، بر دو پایه استوار است: یکی خردورزی و تعقّل و دیگری رجوع به منابع اصیل نقلی آن (یعنی قرآن و روایات صحیح اهل بیت علیهم السلام، معصومان علیهم السلام).. امام صادق علیه السلام درباره اهمیت منابع نقلی می فرماید: «مَا مِنْ شَیء اِلاّ وَ فِیهِ کتابٌ اَوْ سُنَّةٌ(1)»؛ «هیچ چیزی نیست، مگر آنکه در مورد آن آیه یا روایتی وجود دارد».

۱- کافی ، ج ۱، ص ۵۹، ح ۴

از میان منابع اسلام «سنّت» نقش ویژه ای دارد؛ زیرا گستره نظر عقل محدود است و در امور اعتباری، چندان دخالتی ندارد و از طرفی قرآن نیز به مشابه قانون اساسی اسلامی، که بیشتر به کلیات پرداخته و بیان جزئیان را به «سنت» واگذار کرده است. علاوه بر اینکه فهم مراتب بالای قرآن و دست یابی به مفاهیم والای آن، احتیاج به بیان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت علیهم السلام دارد. حال دانستن معارف مهدوی و فهم کامل و دقیق و معتبر آن، تنها با رجوع به منابع اصیل اسلامی ـ و به خصوص روایات معصومان علیهم السلام ـ امکان پذیر است.

ضرورت بحث

«مهدویت» از زوایای مختلف قابل بررسی است و پرداختن به آن ها از چشم انداز روایات دارای اهمیت خاصی است؛ زیرا:

یکم: منجی و مهدی از صدر اسلام و بلکه پیش از آن به علت غیرتجربی بودن و حالت پیشگویی داشتن آن، همواره مورد رغبت مردم بوده و سؤالات آنها و پاسخ های معصومان علیهم السلامرا در پی داشته است.

ص:۷

دوّم: گسترش روحیه امید در جامعه و ترویج فرهنگ صحیح انتظار، در تمامی دوران ها و معرفی مهدی موعود راستین به نسل های مختلف، از طریق روایات امکان پذیر بوده و اکنون نیز بهترین راه برای نیل به این مقصود، همان میراث گران بهای معصومان علیهم السلام است.

سوّم: تلاش تاریخی برای جلوگیری از نقل روایات و کوشش دیگران برای دخل و تصرف و حذف بعضی از احادیث نوشته شده و ایجاد شک و تردید در برخی دیگر، ضرورت اهتمام به حدیث در تبیین فرهنگ مهدوی و پاسداری از آن را یادآوری می کند.(۱)

تعریف واژه ها

به منظور درک سریع مطالب و برای جلوگیری از برداشت های گوناگون از واژه ها، لازم است که قبل از ورود به بحث، برخی از اصطلاحات را توضیح داده و مراد خود را از واژه ها بیان کنیم:

۱- ر.ک: الامام المهدی عند اهل السنه ، مهدی فقیه ایمانی

۱. حدیث: حدیث در لغت به چیزی گفته می شود که ناپیدا بوده و سپس پیدا می شود و در اصطلاح ما عبارت است از: «قولُ المعصومِ اؤ ما یحکی قولَهُ اوفِعْلَهُ او تقریرَهُ»؛ یعنی، گفتار و یا آنچه سخن معصوم یا فعل و تقریر او را بازگو می کند.

اهل سنت هم حدیث را قول، فعل و تقریر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، صحابه و تابعین می دانند.(۱)

۲. سنت: اصل قول، فعل و تقریر معصوم علیه السلام است.(۲)

۳. صحیح: صحیح روایتی است که سند آن به وسیله راویان عادل و امامی در تمامی طبقات به معصوم متصل باشد.(۳)

محدثان اهل سنت روایاتی را صحیح می دانند که سند آن توسط راویان عادل ضابط متصل بوده و فاقد شذوذ و علت باشد؛ یعنی، آن را بیش از یک عادل نقل کرده و از هر عیبی به دور باشد.(۴)

۱- تدریب الراوی ، ج ۱، ص ۲۳

۲- روایت و درایت ، ص ۲۶

۳- آشنایی با علوم حدیث ، ص ۱۷۹

۴- آشنایی با علوم حدیث ، ص ۱۸۰؛ به نقل از: نخبه الفکر ، ص ۱۲

۴. حَسَن: روایتی است که سند آن توسط راویان امامی عادل به استثنای یک یا چند راوی ــ که تصریح به عدالت آنان نشده و تنها به مدح و ستایش آنها اکتفا شده ــ به معصوم متصل باشد.

اهل سنت روایتی را حَسَن می دانند که سند آن، از طریق عادل خفیف الضبط، متصل و عاری از شذوذ و علت باشد. مراد از خفیف الضبط ــ در برابر تمام الضبط ــ کسی است که در ضبط او، اندکی خلل راه یافته است.(۱)

۵. متواتر: خبری است که در تمام طبقات، شمار راویان آن به حدی باشد که احتمال تبانی آنان بر دروغ، عادتاً محال است.

۶. صِحاح سِتّه: اهل سنت شش کتاب حدیثی خود را کاملا صحیح می دانند: صحیح بخاری، صحیح مسلم (صحیحین)، سنن ابن ماجه، سنن ابی داوود، سنن ترمذی و سنن نسائی.

۱- آشنایی با علوم حدیث ، ص ۱۸۱

بخش یکم: منابع روایی درباره حضرت مهدی علیه السلام

اشاره

ص:۱۱

برای آشنایی بهتر با منابع مهدویت، ابتدا آنها را به دو دسته شیعی و سنی تقسیم می کنیم و سپس بر اساس تاریخ صدور، آنها را بیان می کنیم. همچنین می توان آنها را در دو مقطع قبل از ولادت و بعد از ولادت امام مهدی علیه السلام دسته بندی کرد.

الف. منابع شیعه

یک. قبل از ولادت امام مهدی علیه السلام

۱. کتاب سلیم بن قیس؛ ابو صادق سلیم بن قیس هلالی عامری کوفی (م ۷۶ ه). نام دیگر این کتاب اسرار آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم است.

۲. کتاب الغیبه للحجه؛ عباس بن

ص:۱۲

هشام ابوالفضل الناشری (م ۲۲۰ ه)(۱)

۳. کتاب اخبار المهدی؛ ابوسعید عباد بن یعقوب الرواجنی الکوفی (م ۲۵۰ ه).(۲)

۴. کتاب القائم الصغیر؛ حسن بن علی بن ابی حمزه البطائنی.(۳)

۵. کتاب الغیبه؛ ابواسحاق ابراهیم بن صالح الأنماطی.(۴)

دو. بعد از ولادت امام مهدی علیه السلام

برخی از این منابع، در کنار موضوعات دیگر، مباحث و روایات امام مهدی علیه السلام را نیز مطرح کرده اند و برخی دیگر ویژه امام موعود(ع) نگاشته شده است:

۱-۲. کتابهایی که امام مهدی را مطرح نموده اند.

۱. الکافی؛محمد بن یعقوب بن اسحاق الکلینی الرازی (م ۳۲۹ ه). این کتاب از قدیمی ترین و معتبرترین کتب روایی شیعه است و از شرح های معروف آن می توان

۱- الذریعه ، ج ۱۶، ص ۷۶

۲- اعیان الشیعه ، ج ۷، ص ۴۱۰

۳- رجال نجاشی ، ص ۳۶ و ۳۷

۴- رجال نجاشی ، ص ۱۵

«مرآه العقول» و «وافی» را نام برد.

این کتاب بیش از شانزده هزار حدیث دارد که به تنهایی از؛ تعداد کل صحاح سته اهل سنت بیشتر است.

۲. قرب الإسناد؛ ابوالعباس عبداللّه بن جعفر بن حسین بن مالک بن جامع حمیری. وی استاد شیخ کلینی است و با امام هادی علیه السلام و امام عسکری علیه السلام و به وسیله محمد بن عثمان عمروی با امام مهدی علیه السلام مکاتبه داشته است. این کتاب از اصول چهارصدگانه اولیه شیعه به حساب می رود و تعداد ۱۴۰۴ حدیث دارد.

۳. بصائر الدرجات؛ ابوجعفر محمد بن حسن بن فروخ صفار (م ۲۹۰ ه) او از یاران امام حسن عسکری علیه السلام و شاگرد احمد برقی و استاد مرحوم کلینی است. این کتاب در فضایل اهل بیت علیهم السلام نگاشته شده و از معتبرترین اصول قدما و بزرگان شیعه است.

۴. المحاسن؛ ابوجعفر احمد بن محمد بن خالد بن عبدالرحمن بن محمد بن علی برقی (م ۲۷۴ یا ۲۸۰ ه). این کتاب از بهترین کتابهای شیعه است و برخی آن را در ردیف کتب اربعه می دانند. این کتاب بسیار مفصل

بوده که قسمتی از آن به دست ما رسیده است.

۵. کفایه الاثر فی النص علی الأئمه الاثنی عشر علیهم السلام؛ ابوالقاسم علی بن محمد بن علی خزاز قمی رازی. وی از راویان و فقهای برجسته شیعه، در نیمه دوم قرن چهارم است. در قم متولد شد و شاگرد شیخ صدوق بود.

۶. الارشاد فی معرفه حجج اللّه علی العباد؛ شیخ مفید ابو عبداللّه محمد بن محمد بن نعمان عکبری بغدادی (م ۴۱۳ ه). وی استاد شیخ طوسی، سید مرتضی و سید رضی بود. این کتاب در بردارنده تاریخ و فضایل ائمه معصومین علیهم السلام است.

۲-۲. کتاب های ویژه امام عصر علیه السلام

تعدادی از کتاب هایی که ویژه امام عصر نوشته شده، عبارت است از:

۱. کمال الدین و تمام النعمه؛ محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی مشهور به شیخ صدوق (۳۰۵_

ص:۱۵

۳۸۱ ه). او به دعای امام زمان علیه السلام به دنیا آمد و این کتاب را به دستور آن حضرت نوشت که(۱) از قدیمی ترین منابع روایی در این زمینه شمرده می شود.

۲. الغیبه؛ ابوعبدالله، محمد بن ابراهیم بن جعفر کاتب نعمانی مشهور به ابن ابی زینب از راویان بزرگ شیعه در اوایل قرن چهارم است. این کتاب در سال ۳۴۲ در حلب نگارش یافته و ۴۷۸ حدیث دارد.

۳. الفصول العشره فی الغیبه؛ ابو عبدالله محمد بن محمد بن نعمان معروف به شیخ مفید. موضوع اصلی آن، پاسخ به مهم ترین شبهاتی است که درباره وجود مبارک امام مهدی علیه السلام در دوران ایشان مطرح بوده است. نام های دیگر این کتاب «الاجوبه عن المسائل العشره» و «المسائل العشره فی الغیبه» است.

۴. اربع رسالات فی الغیبه؛ شیخ مفید. این کتاب به روش پرسش و پاسخ بوده

۱- کمال الدین و تمام النعمه ، مقدمه

و شامل مباحث غیبت، قیام و شبهات مربوط به امامت حضرت مهدی علیه السلام است.

۵. کتاب الغیبه للحجه؛ شیخ طوسی. این کتاب از بهترین، مهم ترین و کامل ترین منابع شیعه در مسأله غیبت امام مهدی علیه السلام است. این کتاب شامل دلایل عقلی و نقلی وجود امام مهدی علیه السلام، غیبت، ظهور، علایم ظهور و فضایل و سیره آن امام علیه السلام است.

این کتاب چون در بغداد و با استفاده از دو کتابخانه بزرگ شیعه نوشته شده و مؤلف آن به بسیاری از اصول قدما دسترسی داشته است، اهمیت فراوانی دارد.

۶. معجم احادیث الامام المهدی علیه السلام؛ این مجموعه روایی نفیس و ارزشمند، با تلاش برخی از محققان به انجام رسیده است. این گروه کوشیده اند تا در حدّ توان، روایات مربوط به امام مهدی علیه السلام را از کتاب های فریقین، جمع آوری کنند و در اختیار پژوهشگران و علاقه مندان قرار دهند. حاصل این سعی و تلاش پسندیده، دوره ای پنج جلدی است که روایات را به ترتیب معصومان علیهم السلام از وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم تا

آخرین معصوم علیه السلام فرا روی خوانندگان قرار می دهد.

گفتنی است تعداد کتاب های نوشته شده _ که تمام یا مقداری از بحث خود را به امام مهدی علیه السلام اختصاص داده اند _ بیش از اینها است.

ب. منابع عامه

اشاره

محدثان اهل سنت، توجّه خاصی به احادیث امام مهدی علیه السلام داشته اند. برخی از پژوهشگران(۱) نام ۱۶۰ نفر از آنان را _ که تألیف مستقلّی درباره امام مهدی علیه السلام داشته یا احادیث مربوط به آن حضرت را در کتاب های خود آورده اند _ بیان کرده اند. در اینجا به معرفی برخی از کتاب های اهل سنت می پردازیم.

یک. قبل از تولد امام مهدی علیه السلام

کتاب های زیر قبل از تولّد حضرت مهدی علیه السلام به نگارش درآمده است:

ص:۱۸

۱- ر.ک: در انتظار ققنوس ، سید ثامرالعمیدی، ترجمه و تحقیق؛ مهدی علیزاده، صص ۶۶-۸۸

۱. کتاب الجامع؛ معمر بن راشد ازدی (م ۱۵۱ه). این کتاب در آخر المصنَّف صنعانی، چاپ شده است.

۲. الرساله؛ محمد بن ادریس شافعی (م ۲۰۴ ه).

۳. المصنف صنعانی (م۲۱۱ ه).

۴. الفتن؛ نعیم بن حماد بن معاویه بن الحارث الخزاعی المروزی (م ۲۲۹ ه).

۵. المصنف فی الاحادیث و الآثار؛ ابی بکر عبداللّه بن محمد بن ابی شیبه الکوفی العبسی (م سال ۲۳۵ ه). شانزده حدیث پایانی آن، در مورد امام مهدی علیه السلام است.

۶. مسند احمد؛ نوشته احمد بن حنبل ابوعبداللّه الشیبانی (م ۲۴۱ ه). احادیث امام مهدی علیه السلام در این کتاب به طور پراکنده آمده است.

دو. بعد از تولد امام مهدی علیه السلام

کتاب های زیر بعد از ولادت امام مهدی علیه السلام (یعنی سال ۲۵۵ ه) نوشته شده است.

۱. سنن ابی داود؛ سلیمان بن

اشعث ابو داود السجستانی الأزدی (م ۲۷۵ ه). این کتاب یکی از صحاح سته و از معتبرترین کتاب های اهل سنت است. در جلد چهارم بخشی را با نام «کتاب المهدی» آورده که در آن دوازده حدیث درباره آن حضرت بیان شده است. از نکات مهم آن آوردن حدیث دوازده خلیفه در کتاب المهدی است. که نشان می دهد از نظر نویسنده، امام مهدی علیه السلام یکی از آن دوازده خلیفه ای است که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم معرفی کرده است.

۲. سنن ابن ماجه؛ محمد بن یزید ابوعبداللّه القزوینی (م ۲۷۵ ه). این کتاب نیز یکی از صحاح ستّه می باشد.

۳. سنن ترمذی؛ محمد بن عیسی ابو عیسی الترمذی السلمی (م ۲۷۹ه). این کتاب نیز یکی دیگر از صحاح ستّه شمرده می شود.

۴. بغیه الرائد فی تحقیق مجمع الزوائد و منبع الفوائد؛ نورالدین علی بن ابی بکر هیثمی (م ۸۰۷ ه). وی در باب «ما جاءَ فی المهدی» ۲۲ حدیث می آورد.

سه. در عصر غیبت کبری (بعد از سال ۳۲۹ ه)

۱. صحیح ابن حِبّان؛ محمد بن حِبّان ابو حاتم التمیمی البستی السجستانی (م ۳۵۴ ه).

۲. موارد الظَّمآن الی زوائد ابن حبّان؛ نورالدین هیثمی (م ۸۰۷ ه).

۳. المعجم الاوسط؛ ابوالقاسم سلیمان بن احمد الطبرانی (م ۳۶۰ ه). این کتاب در ده جلد چاپ شده است، اما چون بر حسب راویان تنظیم شده لذا احادیث امام مهدی علیه السلام در سراسر آن پراکنده است.

۴. المستدرک علی الصحیحین؛ محمد بن عبداللّه ابو عبداللّه الحاکم النیشابوری (م ۴۰۵ه).

۵. السنن الوارده فی الفتن و غوائلها و الساعه و اشراطها؛ ابی عمرو عثمان بن سعید المقری الدانی (م ۴۴۴ ه). این کتاب معروف به سنن دانی است. از جلد پنجم صفحه ۱۰۲۹ «باب ما جاءَ فی المهدی» شروع می شود و چهل حدیث دارد.

ص:۲۱

چهار. کتاب های ویژه حضرت مهدی علیه السلام

منابع پیشین، احادیث مربوط به حضرت را بیان نموده اند و منابع ذیل، اختصاصاً به این موضوع پرداخته اند:

۱. الاربعین؛ ابونعیم اصفهانی (م ۴۳۰ ه).

۲. البیان فی اخبار صاحب الزمان؛ ابو عبداللّه محمد بن یوسف بن محمد کنجی شافعی (م۶۵۸ ه).

۳. الفصول المهمّه؛ علی بن محمد بن احمد مالکی مشهور به ابن صبّاغ (م ۸۵۵ ه).

۴. الصواعق المحرقه؛ ابوالعباس شهاب الدین، احمد بن محمد بن علی بن حجر هیتمی شافعی (م ۹۷۴ ه).

۵. البرهان فی علامات مهدی آخرالزمان؛علاءالدین علی بن حسام الدین مشهور به متقی هندی (م ۹۷۵ ه).

۶. موسوعه المهدی المنتظر؛ دکتر عبدالعلیم عبدالعظیم البستوی. وی در دو جلد به بررسی ۳۸۸ حدیث مهدوی می پردازد.

ص:۲۲

بخش دوم: احادیث درباره حضرت مهدی علیه السلام

اشاره

ص:۲۳

بـا مروری بر مصادر حـدیثی اسـلام و منابع مکتوب شـیعه و سـنی، به این حقیقت پی می بریم که مهـدویت، یکی از اعتقادات اصـیل اسـلامی است. نخستین کسـی که موضوع مهـدی موعود و قیام جهانی او را مطرح و مشـخصات وی را دقیقاً تبیین کرد، شخص رسول اکرم صـلی الله علیه و آله و سـلم بود. آن حضـرت می خواست ضـمن دمیـدن روح امید و نشاط در مردم، زمینه سوءاستفاده مدعیان دروغین را از این مقوله خنثی سازد.

بر این اساس از چند جهت، می توان احادیث امام مهدی علیه السلام را بررسی کرد:

۱. نگاه به موضوعات مختلف مهدویت که معصومان علیهم السلام در روایات خود به آن پرداخته اند؛

۲. تعداد احادیثی که هر یک از

معصومین علیهم السلام درباره امام مهدی علیه السلام دارند.

۱. موضوعات احادیث

در این بخش با مراجعه به کتاب شریف منتخب الاثر و استفاده از آن به آمار ذیل دست می یابیم:

ردیف

موضوعات

تعدادکل

تعدادکل حدیث بدون تکرار

۱

ائمه دوازده نفر هستند

۲۷۱

۸۱

۲

ائمه به تعداد نقباء بنی اسرائیل هستند

۴۰

۲۴

۳

ائمه دوازده نفر و اولین آنها حضرت علی علیه السلام است

۱۳۳

۴

۴

ائمه دوازده نفر و اولین آنها حضرت علی علیه السلام و آخر آنها امام مهدی علیه السلام است

۹۱

۱۱

۵

ائمه دوازده نفر امام آخرین آنها امام مهدی علیه السلام است

۹۴

۱

۶

ائمه دوازده نفر و نه تن آنها ازفرزندان امام حسین علیه السلام هستند

۱۳۹

۳۶

۷

ائمه دوازده نفر نه تن آنها از فرزندان امام حسین علیه السلام و نهمین آنهاقائم ومهدی آنان است

۵۰

۳۶

۸

ائمه دوازده نفر همراه با اسامی آنان

۵۰

۵۰

۹

از فرزندان زهرا علیها السلام است

۱۹۲

۱۰

۱۵

از اولاد حسن و حسین علیهما السلام است

۱۰۷

۱

۱۶

از فرزندان حسین علیه السلام است

۱۸۵

۱۰

۱

از نُه امام که از فرزندان حسین علیه السلام هستند

۱۶۰

۱

۲

نهمین امام از فرزندان حسین علیه السلام است

۱۴۸

۸

۳

از فرزندان حضرت سجاد علیه السلام است

۱۸۵

۱

۴

از فرزندان امام باقر علیه السلام است

۱۰۳

۳

۵

از فرزندان امام صادق علیه السلام است

۱۰۳

۱

۶

ششمین از فرزندان امام صادق علیه السلام است

۹۹

۱

۷

از فرزندان امام کاظم علیه السلام است

۱۰۱

۱

۸

پنجمین از فرزندان امام کاظم علیه السلام است

۹۸

۳

۹

چهارمین از فرزندان امام رضا علیه السلام است

۹۵

۳

۱۰

سومین از فرزندان امام جواد علیه السلام است

۹۰

۲

۱۱

از فرزندان امام هادی علیه السلام است

۹۰

۱

۱۲

جانشینِ جانشین امام هادی علیه السلام است

۱۴۶

۸

۱۳

نام پدر او حسن علیه السلام است

۱۴۷

۴

۱۴

او فرزند بهترین کنیزان است

۹

۷

۱۵

هرگاه سه اسم محمد و علی و حسن پشت سر هم آمدند چهارمین آنان قائم است

۲

۲

۱۶

دوازدهمین و خاتم ائمه است

۱۳۶

۲

۱۷

زمین را پر از عدل و داد می کند

۱۲۳

۹

۱۸

دارای دو غیبت است که یکی کوتاه تر از دیگری است

۱۰

۹

۱۹

دارای غیبت طولانی تازمانی که خدااذن خروج به اوبدهد.

۹۱

۲۲

۲۰

علت غیبت او

۷

۴

۱

اودشمنان خدا رامی کشد وزمین را از شرک پاک می کند و حکومت جباران را برمی اندازد و بر تأویل قرآن می جنگد

۱۹

۴

۲

او امر خدا را آشکار و دین خدا را ظاهر می کند و مؤید و منصوربه ملائکه است و زمین را احیا می کند

۴۷

۶

۳

مردم را به قرآن و سنت پیامبر بر می گرداند

۱۵

۱

۴

انتقام از دشمنان می گیرد

۴

۳

۵

سنن پیامبران از جمله علل غیبت اوست

۲۳

۷

۶

او قائم به سیف است و بعد از خروج و قیام او ایمان کسی که قبلا ایمان نیاورده باشد فایده ندارد

۷

۳

۷

مردم همه مطیع او می شوند

۱

۱

۸

سیره حضرت

۳۰

۳

۹

زهد حضرت

۴

۳

۱۰

کمال عدالت و گسترش عدل و امنیت در دولت

او۷

۳

۱۱

علم حضرت

۵

۴

۱۲

جود حضرت و اینکه مال را بدون شمارش می بخشد

۱۳

۵

۱۳

مواریث انبیا با اوست و خدا آنها را به دست وی برای اتمام حجت ظاهر می کند

۵

۳

۱۴

ظهور نمی کند، مگر بعد از امتحان شدید مردم و گرفتاری سخت مؤمنان.

۲۴

۶

۱۵

بر حضرت عیسی علیه السلام امامت می کند.

۲۵

۸

۶

جهان پیش از ظهور (فساد و ظلم و گناه...)

۳۷

۲۲

۷

برخی از علایم ظهور

۲۹

۲۵

۸

ندای آسمانی و محتوای آن

۲۷

۲۰

۹

گرانی، مریضی

۲۳

۶

۱۰

سفیانی، خسف بیداء، قتل نفس زکیه، یمانی، صیحه

۳۸

۲۵

۱۶

شرق و غرب عالم را فتح می کند

۱۲

۲

۱۷

همه به اسلام می گروند و بعد از ظهور او غیرخدا را نمی پرستند و دولت باطل از بین می رود

۷

۳

۱۸

زمین گنج ها و معادن خود را آشکار می کند

۱۰

۴

۱۹

برکات آسمان و زمین آشکار می شود

۱۲

۴

۲۰

اجتماع۳۱۳مردنزد او در یک ساعت وبرخی اوصاف آنان

۲۵

۸

۲۱

اهل شرق و غرب عالم پیش او جمع می شوند

۲

۲

۲۲

زمین را پر از عدل و داد می کند

۱۲۹

۳

۲۳

نزول عیسی علیه السلام وخواندن نماز پشت سر امام مهدی علیه السلام

۳۹

۳

ص:۲۸

۱۱

فضیلت انتظار فرج به ظهور حضرت

۲۳

۱۶

۱۲

تکالیف شیعیان نسبت به حضرت

۵۴

۹

۱۳

پاداش کسی که امام را درک کند و به او اقتدا نماید.

۱۰

۳

۱۴

فضیلت کسی که در غیبت به او ایمان بیاورد و بر موالات او ثابت قدم باشد

۲۳

۱۶

۱۵

چگونگی سلام و صلوات بر حضرت

۶

۴

۱۶

دعاهای حضرت

۱۳

۱۱

جمع بندی: تعداد منابع شیعه و سنی مورد مطالعه در منتخب الاثر، ۱۵۷ کتاب و مجموع احادیث ۶۰۳۶ و جمع کل آورده شده در این کتاب ۹۲۲ حدیث است.

روایات نقل شده در مورد امام مهدی علیه السلام را می توان به چهار گروه تقسیم کرد:

ص:۲۹

الف. روایات تفسیری؛ روایاتی که در ذیل آیات قرآن کریم را نقل شده و آیه ای را بر امام مهدی علیه السلام تطبیق کرده است.

ب. روایات اخباری؛ روایاتی که از آینده خبر می دهد؛ مانند؛ وقوع غیبت، جهان قبل از ظهور، علایم ظهور، بشارت های ظهور، اوصاف ظاهری امام، سیره حضرت، اوصاف یاران حضرت، جریان قیام و سیمای دوران حکومت.

ج. روایات تبیینی؛ روایاتی که بیان کننده علل غیبت، اهمیت انتظار، وظایف منتظران، حکم نام بردن امام و حکم تعیین وقت ظهور است.

د. روایات تاریخی؛ روایاتی که ولادت امام، نسب امام و معجزات امام مهدی علیه السلام را نقل می کند.

۲. تعداد احادیث معصومان علیهم السلام

تنها با مراجعه به کتاب معجم احادیث الامام المهدی علیه السلام در می یابیم که نویسندگان آن، ۱۹۴۱ روایت را بدون تکرار نقل می کنند:

از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم ۵۶۰ حدیث، از امام علی علیه السلام ۱۳۰ حدیث، از امام حسن علیه السلام

۹ حدیث، از امام حسین علیه السلام ۱۰ حدیث، از امام

سجاد علیه السلام ۲۲ حدیث، از امام باقر علیه السلام

۶۰ حدیث، از امام صادق علیه السلام ۲۹۷ حدیث، از امام کاظم علیه السلام ۱۹ حدیث، از امام رضا علیه السلام

۳۰ حدیث، از امام جواد علیه السلام ۹ حدیث، از امام هادی علیه السلام ۱۳ حدیث از امام عسکری علیه السلام

۴۲ حدیث. پس از آن ۱۳۰ مورد توقیع و دعا از امام زمان علیه السلام و بیش از ۵۰۰ حدیث را در جلد پنجم در ذیل آیاتی که به امام مهدی علیه السلام و ویژگی های آن حضرت تأویل شده، ذکر می کنند.

۳. راویان احادیث مهدویت از صحابه

با بررسی کتاب های اختصاصی امام مهدی علیه السلام و یا کتبی که بخشی از آنها، به ذکر احادیث آن حضرت اختصاص یافته، به این واقعیت پی می بریم که حداقل حدود شصت تن از صحابه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، احادیث مربوط به حضرت مهدی علیه السلام را بدون واسطه از رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل کرده اند.

در اینجا تنها به ذکر اسامی برخی از صحابه _ که روایات آنان در منابع اهل سنت مطرح شده است _ اکتفا می کنیم. این خود

ص:۳۱

دلیل بر صدور قطعی روایات امام مهدی علیه السلام از ناحیه رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم است و ثابت می کند که «مهدویت» در اسلام، از عمیق ترین ریشه و عالی ترین درجه اعتبار برخوردار است:

۱. فاطمه الزهرا علیها السلام (شهادت ۱۱ ه)،

۲. معاذ بن جبل (م ۱۸ ه)، ۳. قتاده بن نعمان (م ۲۳ ه)، ۴. عمر بن خطاب (م ۲۳ه)،

۵. ابوذر غفاری (م ۳۲ ه)، ۶. عباس بن عبدالمطلب (م ۳۲ ه)، ۷. عبدالرحمن بن عوف (م ۳۲ ه)، ۸. عثمان بن عفان (م ۳۵ ه) ۹. سلمان فارسی (م ۳۲ ه)، ۱۰. طلحه بن عبیداللّه (م ۳۶ ه) ۱۱. حذیفه بن یمان (م ۳۶ ه)، ۱۲. عمار بن یاسر (شهادت: ۳۷ ه)، ۱۳. امیرالمؤمنین علی علیه السلام (شهادت: ۴۰ ه) ۱۴. زید بن ثابت (م ۴۵ ه) ۱۵. تمیم الداری (م ۵۰ ه) ۱۶. امام حسن بن علی علیه السلام (شهادت ۵۰ ه) ۱۷. عبدالرحمن بن سمره (م ۵۰ ه) ۱۸. مجمع بن جاریه (م ۵۰ ه) ۱۹. عمران بن حصین (م ۵۲ ه) ۲۰. ابو ایوب انصاری (م ۵۲ ه) ۲۱. ثوبان غلام رسول اللّه صلی الله علیه و آله و سلم (م ۵۴ ه) ۲۲. عایشه (م ۵۲ ه) ۲۳. ابوهریره (م ۵۹ ه) ۲۴. امام حسین علیه السلام (شهادت ۶۱ ه) ۲۵.

علقمه بن قیس بن عبدالّله (م ۶۲ ه) ۲۶. ام سلمه (م ۶۲ ه) ۲۷. عبدالّله بن عمر (م ۶۵ ه) ۲۸. عبدالّله بن عمرو عاص (م ۶۵ ه) ۲۹. عبدالّله بن عباس (م ۶۸ ه) ۳۰. زید بن أرقم (م ۷۴ ه) ۳۱. عوف بن مالک (م ۷۳ ه) ۳۲. ابو سعید خدری (م ۷۴ ه) ۳۳. جابربن سمره (م ۷۴ ه) ۳۴. جابر بن عبدالّله انصاری (م ۷۸ ه) ۳۵. عبدالّله بن جعفر طیار (م ۸۰ ه) ۳۶. ابو امامه باهلی (م ۸۱ ه) ۳۷. بشر بن منذر بن جارود (م ۸۳ ه) ۳۸. عبدالّله بن حارث (م ۸۶ ه) ۳۹. سهل بن سعد ساعدی (م ۹۱ ه) ۴۰. أنس بن مالک (م ۹۳ ه) ۴۱. ابوالطفیل (م ۱۰۰ ه) ۴۲. ام حبیده ۴۳. ابوجحاف ۴۴. ابوسلمی، راعی رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم ۴۵. أبولیلی ۴۶. أبوواهل حدیقه بن اسید ۴۷. حرث بن ربیع ۴۸. ابوقتاده انصاری ۴۹. زر بن عبدالّله ۵۰. زراره بن عبدالّله ۵۱. عبدالّله بن ابی أوفی ۵۲. علاء بن بشیر مزنی ۵۳. علی هلالی ۵۴. قرّه بن أیاس

۵۵. عمرو بن مره جهنی.

ص:۳۳

نتیجه

اشاره

با بررسی روایات بحث مهدویت، دو ویژگی و امتیاز به دست می آید که اهمیت موضوع مهدویت را در میان معارف اسلامی و دینی نشان می دهد و پژوهشگران و طالبان طریق سعادت را در راهیابی به افق روشن آینده کمک می کند. همچنین راه را بر منکران و مخالفان این واقعیت بزرگ هستی می بندد.

الف. تواتر احادیث امام مهدی علیه السلام

از ویژگی ها و امتیازات بسیار مهم در یک موضوع روایی، تواتر احادیثی است که در مورد آن نقل شده است. متواتر بودن روایات آن موضوع، باعث می شود که به آن به صورت ویژه توجّه شود و مطالب و محتوای آن، مورد قبول واقع شده و علاوه بر اعتقاد به آن، در کارها و رفتار و برنامه ریزی ها به آن توجّه گردد و به مفاد آن عمل شود. تواتر احادیث در موضوع مهدویت، امری مورد قبول و مسلّم در نزد شیعه و عامّه است؛ یعنی، نه تنها شیعیان تواتر احادیث مربوط به امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را پذیرفته اند؛ بلکه علمای عامّه نیز بر این مهم اعتراف کرده اند. در این قسمت به ذکر

ص:۳۴

نام برخی از علما و دانشمندان عامّه که به این ویژگی اشاره کرده اند، می پردازیم.(۱)

۱. محمد حسین آبری شافعی (م ۳۶۳ه_)؛ وی در کتاب مناقب الشافعی چنین می گوید:

اخبار بشارت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به آمدن مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به دلیل کثرت مخبران و راویان به حد تواتر رسیده است.(۲)

۲. قرطبی مالکی (م ۷۶۱ه_)؛(۳)

۳. ابن قیم (م ۷۵۱ ه)؛(۴)

۴. ابن حجر عسقلانی (م ۸۵۲ ه)؛

۵. سیوطی (م ۹۱۱ ه)؛(۵)

۶. ابن حجر هیتمی (م ۹۷۴ ه)؛ وی بارها از اعتقاد مسلمانان به ظهور امام مهدی علیه السلام دفاع کرده و به تواتر آن تصریح کرده است.(۶)

۷. محمد رسول برزنجی (م ۱۱۰۳ه_)؛ وی

۱- رک: در انتظار ققنوس ، صص ۷۶ _ ۹۰

۲- التذکره ، ج ۱، ص ۷۰۱

۳- التذکره ، ج ۱، ص ۷۰۱

۴- المنارالمنیف ، ابن قیم، ص ۱۳۵

۵- ابراز الوهم المکنون ، غماری، ص ۴۳۶

۶- الصواعق المحرقه ، فصل ۱، باب ۱۱، صص ۱۶۲ _ ۱۶۷

تصریح می کند:

احادیثی که بر وجود مهـدی علیه السـلام و قیام او در آخر الزمان و از خانـدان رسول اکرم صـلی الله علیه و آله و سـلم و فرزند فاطمه علیها السلام بودن وی دلالت دارند، به حد تواتر رسیده و جایی برای انکار آن ها وجود ندارد.(۱)

۸. شیخ محمد بن علی صبان (م ۱۰۲۶ه_).(۲)

ب. صحت احادیث امام مهدی علیه السلام

یکی دیگر از ویژگی های ارزشـمند یک موضوع روایی، صـحیح بودن روایاتی است که در مورد آن نقل شـده است. صـحّت روایـات مربوط به آن موضوع، بـاعث می شود علاوه بر قبول آن، به محتوا و مفاد آن نیز توجه شـده و به دسـتورات آنها عمل شود. با توجه به اینکه صـحّت احادیث مهـدویت مورد قبول شـیعه است؛ از این رو در این بخش فقط نام برخی از بزرگان اهل سنت _ که در نوشتار خود به «صحت» این احادیث تصریح کرده اند _ بیان می شود.

۱- الاشاعه لاشراط الساعه ، برزنجی، ص ۸۷

۲- اسعاف الراغبین ، صبان، صص ۱۴۵ _ ۱۵۲

۱. ترمذی در سنن ج ۴ (ص ۵۰۵، احادیث ۲۲۳۰، ۲۲۳۱، ۲۲۳۲ و ۲۲۳۲)؛

۲. حافظ ابوجعفر عقیلی در الضعفاء الکبیر (ج ۳، ص ۲۵۳، ح ۱۲۵۷)؛

۳. حاکم نیشابوری در مستدرک (ج ۴، احادیث ۴۲۹، ۴۶۵، ۵۵۳ و ۵۵۸)؛

۴. بیهقی درالاعتقاد و الهدایه (ص ۱۲۷)؛

۵. امام بغوی در مصابیح السنه (ص ۴۴۸، ح ۴۱۹۹)؛

۶. ابن اثیر در النهایه (ج ۵، ص ۲۵۴)؛

۷. قرطبی مالکی در التذکره (ص ۷۰۴)؛

۸. ناصرالدین البانی در حول المهدی (ص ۶۴۴)؛

۹. عبدالعلیم عبدالعظیم البستوی در المهدی المنتظر.

ص:۳۷

بخش سوم: امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در پرتو احادیث

اشاره

ص:۳۹

در این بخش برآنیم با تأملی در برخی احادیث، به زوایای مباحث مهدویت در روایات اشاره کنیم.

ص:۴۰

فصل ۱: احادیث عام

اشاره

ص:۴۱

در این بخش، نخست به تبیین برخی روایات امامت می پردازیم و چگونگی دلالت آن را بر حضرت مهدی علیه السلام به عنوان یکی از امامان معصوم علیهم السلام بررسی می کنیم. سپس با توجه به روایات خاص «مهدویت»، عرصه های مشترك و اختلافی شیعه و سنی را درباره «مهدویت» مطرح می کنیم.

در این قسمت سه روایت «ثقلین»، «مَنْ ماتَ و لم یعرف» و «خلفای دوازده گانه» را مورد بررسی قرار می دهیم:

۱. حدیث ثقلین

اشاره

حدود ۳۴ تن از اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم این حدیث را نقل کرده اند و ۱۸۷ نفر از بزرگان اهل سنت

(مانند مسلم، ترمذی و احمد بن حنبل) این حدیث را در کتاب های خود آورده اند که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم آن را در موقعیت های مختلف بیان کرده است.(۱)

مسلم در صحیح خود از «زید بن ارقم» نقل می کند: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم روزی در کنار آبی به نام خم (غدیر خم) میان مکه و مدینه خطبه ای ایراد کرد و در آن خطبه خدا را ثنا گفت و مردم را نصیحت نمود. آن گاه چنین فرمود:

«اَلا ـ اَیها النّاسُ! فَاِنّما اَنَا بَشَرٌ یوشَک اَنْ یأتِی رَسُولُ رَبّی فَاُجیبُ «وَ اَنَا تارِک فِیکم الثَقلین: اَوّلُهما کتابُ اللّهِ فِیهِ الْهُدی وَ النُّور فخُذُوا بکتابِ اللّه و اسْتَمْسِکوا بِهِ» فَحَثَّ علی کتاب اللّه و رَغَّبَ فیه ثم قال: وَ اَهلُ بَیتِی اُذَکرُکم اللّه فِی اَهْلِ بَیتی اُذَکرُکم اللّه فِی اَهْلِ بَیتی اُذَکرُکم اللّهَ فِی اَهْلِ بَیتی».(۲)

ص:۴۳

۱- عبقات الانوار ، ج ۲ و ۱، ص ۸۲۴ و ۸۲۵

۲- مسلم، صحیح ، ج ۴، شماره ۲۴۰۸، چاپ عبدالباقی، ص۱۸۰۳

ترمذی در سنن این متن را بالفظ «وَ عِترَتی اَهْلَ بَیتِی» نقل کرده است:

«اِنّی تـارك فِیکم ما اِنْ تَمَسَّکتُم به لَنْ تَضِّلوا بَعْـدِی، اَحـدُهُما اَعظَمُ مِنَ الآخَرَ: کتابَ اللّهِ حَبْلٌ مَمْـدُودٌ مِنَ السَّماءِ اِلَی الاَرْضِ وَ عِتْرتِی اَهْلَ بَیتِی لَنْ یفْتَرقا حَتّی یرِدا عَلَی الْحَوضَ فَانْظُروا کیفَ تُخلِّفُونی فِیهما».(۱)

مسلم و ترمذی که از مؤلفان صحاح و سنن می باشند، هر دو بر لفظ «اهل بیت» تأکید دارند. علاوه بر این، حاکم نیشابوری در مستدرك، ابن حجر در صواعق، سیوطی در الجامع الصغیر و ملك العلماء در هدایه السعداء بر صحّت این حدیث تأکید دارند. در مقابـل روایتی که به جـای «اهل بیتی» لفظ «سـنتی» را آورده است، حـدیثی مجهول است که علاوه بر ضـعف سـند، احتمال ساختگی بودن آن وجود دارد.(۲)

۱_۱_۱. «اهل بیت» در حدیث ثقلین

واژه «اهل بیت» پیشینه قرآنی دارد؛

ص:۴۴

۱- سنن ، ج ۵، ش ۳۷۸۸، ص ۶۶۳

۲- ر.ك: امام مهدی در حدیث ثقلین ، بنیاد فرهنگی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

خداوند متعال می فرماید: «اِنّما یریدُ اللّهُ لِیذهِبَ عَنْکم الرِجسَ اَهْلَ الْبیتِ وَ یطَهِّرکم تَطْهِیراً».(۱) در سنن ترمذی، و مسند احمد و مسند عبد بن حمید به نقل از انس آمده است:

«اِنّ رَسوُلَ اللّهِ کانَ یمُرُّ ببابِ فاطِمَهَ سِتَهَ اَشْهُر اِذا خرَجَ اِلَی صَلاهِ الْفَجرِ یقُول: اَلصَّلاه یا اَهلَ الْبیت اِنّما یریدُ اللّهُ لِیذْهِبَ...»؛(۲)

«پیـامبر اکرم صـلی الله علیه و آله و سـلم [برای بیـان مراد از اهل بیت] به مـدت شـش ماه هر روز صـبح هنگام رفتن به نماز، از مقابل خانه حضرت زهرا علیها السلام عبور می کرد و می فرمود: ای اهل بیت! نماز. به درستی که خداوند اراده کرده است که ببرد...».

اهل بیت علیهم السلام کسانی اند که در مباهله حضور داشتند:

«اخرج المسلم عن سعد بن وقاص قال: لما نزلت هذه الآیه «نَدْعُ

ص:۴۵

۱- احزاب / ۳۳

۲- الدرالمنثور ، ج ۶، ص ۶۰۶؛ همچنین ر.ک: تفسیر ابن کثیر ، ج ۳، ص ۴۸۴؛ سنن ترمذی ، ج ۵، ص ۳۵۲

أَبْنَاءنَا وَأَبْنَاءكمْ»(۱) دعا رسولُ اللّه علياً و فاطمه و حسناً و حسيناً فقال: اللهم هؤلاء اهلی»؛(۲)

«مسلم نیشابوری از سعد بن وقاص نقل کرد: چون این آیه (معروف به آیه مباهله) نازل شد، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام را فرا خواند و فرمود: خدایا! اینان اهل [بیت] من هستند».

اهل بیت کسانی اند که حدیث کسا برای آنان بیان شده است.(۳)

در حدیث ثقلین بر اساس بعضی نقل ها، به جای کلمه «اهل بیت» و یا در کنار آن واژه «عترت» به کار رفته است. زیدبن ثابت می گوید:

قال رسول اللّه صلی الله علیه و آله و سلم اِنّی تارِك فِیکم الثقلین خلفی کتابَ اللّهِ وَ عِتْرَتِی فَاِنَهُما لَنْ یفتَرقا حَتّی یردا عَلَی الْحَوضَ». ازهری

۱- آل عمران / ۶۱

۲- الصواعق المحرقه ، باب ۹، ص ۱۲۱

۳- ر.ك: صحیح مسلم ، ج ۷، ص ۱۳۰؛ الصواعق المحرقه ، باب ۱۱، فصل ۱۱، ص ۱۴۳

به نقل از محمد بن اسحاق می گوید: «هذا حدیث صحیح».(۱)

۱_۱_۲. عترت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم

از مفاد حدیث ثقلین، این نکته روشن می شود که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم عترت خویش را در کنار قرآن کریم قرار داده است. اکنون جای این سؤال است که مراد از عترت چه کسانی است؟ و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم چه کسانی از عترت خود را در ردیف قرآن قرار داده و ثقل اصغر خوانده است؟ ابن اثیر می گوید:

عترت انسان به خاص ترین و نزدیک ترین خویشاوندان وی گفته می شود و عترت رسول اللّه صلی الله علیه و آله و سلم فرزندان فاطمه علیها السلام هستند. قول ابن سیده نیز همین است.(۲)

پیداست، مراد از «عترت» و «اهل بیت» در حدیث ثقلین محدود است و همه منسوبان به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را دربر نمی گیرد؛ بلکه مقصود از آن، تنها کسانی اند که به قرینه قرار گرفتن در کنار قرآن، از امتیازات ویژه ای برخوردارند.

۱- لسان العرب ، ج ۴، ص ۵۳۸

۲- النهایه ، ج ۳، ص ۱۷۷

اینـان همتـای قرآن وماننـد آن ارزشـمند هسـتند و تمسّـِک به آنـان مـانع از لغزش و انحراف است؛ چنـان که علّامه مناوی می گوید:

«وَ الْمُرادُ بعِتْرَتِه هنـا الْعُلَمـاءُ الْعـاملونَ، اِذْ هُم الَّذِینَ لایفارِقونَ الْقُرآنَ».(۱) یعنی، مقصود از عـترت پیـامبر صـلی الله علیه و آله و سلم تنها افراد دارای علم و پایبند و عالم از خاندان ایشان است؛ چرا که آنان هیچ گاه از قرآن جدا نمی شوند.

چند نکته

بر اساس این حدیث، پیامبر صـلی الله علیه و آله و سـلم دستاورد رسالت خود را دو چیز گران مایه یکی،«کتاب خدا» و دیگری «عترت» آن حضـرت که از هم جدایی ناپذیر و عامل راهیابی و رسـتگاری انسان ها تا روز قیامت هستند. ملازمت بر این دو از مهـم ترین وظـایف دینی هر مسـلمانی است و تـا قیـامت پایـدار است. به بیـان دیگر این حـدیث شـریف و زیبـا حـاوی نکـات ارزشمندی است:

یکم. همان گونه که کتاب خدا جاویدان است و تا پایان عمر دنیا وجود دارد، یک نفر

۱- فیض القدیر ، ج ۳، ص ۱۵

از اهـل بیت نیز همیشه در کنـار قرآن تا پایان عمر دنیا خواهـد بود. این نکته از واژه «لن یفترقا» به خوبی روشن می شود. چنان که ابن حجر در صواعقمی گوید:

فِی اَحـادیثِ الْحثّ عَلَی التَّمَسُّک بِاَهْـلِ الْبَیتِ اَشـارَهٌ اِلی عَـدَم انْقِطاع مُسْـتَأهِل مِنْهُم للتمسک به اِلی یوم الْقیامَه کما انَّ الْکتابَ الْعَزیزَ کـذلِک وَ لِهـذا کـانوا اَمانـا لِاَهْـلِ الْـاَرْض... ثم أحقّ مَن یتمسّـک به منهم امامهم و عالمهم علی بن ابی طالب (کرّم اللّه وجهه)، لمـا قـدّمنا من مزیـد علمه و دقـایق مسـتنبطاته و من ثمّ قال ابوبکر: علی عترهُ رسول اللّه صـلی الله علیه و آله و سـلم ای الذین حثّ علی التمسک بهم؛(۱) یعنی، احـادیثی که مردمان را به تمسک به اهل بیت فرا می خوانـد، به این اشاره دارد که از اهل بیت تا روز قیامت کسـی که برای تمسّک شایسـته است، همواره وجود دارد؛ چنان که کتاب خـدا چنین است و از این رو آنان سبب ایمنی و بقا برای اهل زمین هستند... سزاوارترین فرد از میان ایشان

۱- الصواعق المحرقه ، ص ۹۰

برای تمسّک، امام و عالم آنها علی بن ابی طالب است که علم فراوان و استنباط های دقیق و موشکافانه دارد، و به همین جهت ابوبکر گفته است: «علی علیه السلام عترت رسول خدا است»؛ یعنی، از کسانی است که پیامبر خواسته و ترغیب کرده مردمان به آنان تمسّک جویند.

دوّم. همچنان که قرآن حجّت بوده و بر مردم واجب است از آن پیروی کنند؛ همچنین باید از اهل بیت علیهم السلام پیروی و اطاعت کنند. از این رو اهل بیت تنها کسانی اند که شایستگی دارند رهبری، امامت و سرپرستی امور مردم را به عهده گیرند. معنای دو ثقل اکبر و اصغر نیز این است.

سوّم. در قرآن هیچ خطا و اشتباهی نیست و پیروان واقعی قرآن در هیچ زمانی دچار اشتباه نشده و دچار گمراهی و ضلالت نمی گردند. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم اهل بیت علیهم السلام را در کنار قرآن قرار داده و می فرماید: «اگر به هر دو تمسّک بجویید، هرگز دچار گمراهی نمی شوید». از این فهمیده می شود که اهل بیت علیهم السلام نیز هرگز دچار خطا نمی شوند (یعنی دارای ملکه عصمت بوده و معصوم می باشند)،

ص:۵۰

زیرا اگر به خطا دچار شوند، حتماً باعث گمراهی و ضلالت می گردند.

چهارم. این همراهی نتیجه دیگری نیز می دهد و آن اینکه تنها اهل بیت علیهم السلام هستند که می توانند محتوای آیات و دقایق لطیف آنها را به صورت درست و کامل در اختیار مردم قرار دهند؛ از این رو برای استفاده صحیح از قرآن باید از رهنمودها و هدایت های آنان بهره برد.

پنجم. قرآن دریای بی کران معرفت است. اتصال اهل بیت علیهم السلام به قرآن، نشانه وسعت علم و ژرفای معرفت آنان است.

۱_۱_۳. مهدی علیه السلام در «حدیث ثقلین»

از مباحث گذشته روشن شد که طبق حدیث معروف ثقلین، همیشه فردی از اهل بیت علیهم السلام باید در کنار قرآن وجود داشته باشد. اکنون باید بیان کنیم که امام مهدی علیه السلام یکی از افراد اهل بیت علیهم السلام می باشد.

بر اساس احادیث، حضرت مهدی علیه السلام فردی از «عترت»، «اهل بیت» و فرزندان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و یکی از دو شیء گران قدری است که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در «حدیث ثقلین» بدان سفارش کرده است.

ص:۵۱

أ. مهدی فردی از اهل بیت است

«قالَ رَسُولُ اللّه صلی الله علیه و آله و سلم لاتنْقَضِی الْایامُ وَ لایذْهَبُ الدَهْرُ حَتّی یمْلِك الْعَرَبُ رَجلٌ مِنْ اَهْلِ بَیتی اسمه یواطئُ اِسْمِی»؛(۱)

رسول خدا فرمود: روزگار به پایان نمی رسد و عمر دنیا سپری نمی شود؛ مگر اینکه فردی از اهل بیت من، بر عرب حاکم می شود، نامش هم نام من است.

ابو الحسن محمد بن حسین بن ابراهیم ابن عاجم سجزی می گوید:

قد تواترت الاخبار و استفاضت بکثره رواتها عن المُصطفی صلی الله علیه و آله و سلم بمجیء المهدی و انه من اهل بیته... و انه یملاء الارض عدلا و انه یخرج مع عیسی فیساعده علی قتل الدجال... و انه یؤمُّ هذه الامه و عیسی یصلی خلفه؛(۲) یعنی، درباره آمدن مهدی [و بشارت به ظهور او]و اینکه مهدی از اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است، اخبار «متواتر» و «مستفیض» است [و این وعده حتمی است. در این اخبار آمده

۱- مسند احمد، ج۱، ص ۳۷۶، سنن ابو داود ، ج ۴، ص ۱۰۷

۲- الحاوی للفتاوی ، ج ۲، ص ۸۶ _ ۸۵

که] حضـرت مهـدی علیه السـلام زمین را از عـدل پر می کند و قیام او با ظهور عیسـی علیه السـلام هم زمان است. عیسـی علیه السلام، مهدی علیه السلام را در قتل دجّال یاری می نماید و مهدی علیه السلام بر این امت پیشوایی می کند و امام می گردد و عیسی علیه السلام پشت سر او نماز می گزارد.

ب. مهدی علیه السلام فردی از «عترت» است:

یوسـف بن یحیی مقدسـی سـلمی در نخسـتین بـاب کتـاب عقدالـدرر،عنـوان اولین بخش را چنین نـام می دهـد: «فی بیـان انه [المهـدی] من ذریه رسول اللّه و عترته»؛ یعنی، «در بیـان این مطلب که مهـدی علیه السـلام از ذریه پیامبر و عترت او است». آن گاه ۳۴ حدیث در این باره نقل می کند که بعضی از آنها در کتاب هایی چون المعجم الکبیر، سنن ابی داود، سنن ابK ماجه، مسـند احمد و مسـتدرک الصـحیحین آمده است. به عنوان نمونه این حدیث را می آورد که پیامبر صـلی الله علیه و آله و سـلم فرمود:

ص:۵۳

«المهدی من عترتی من ولد فاطمه علیها السلام (۱)»؛ مهدی از عترت من و از فرزندان فاطمه علیها السلام است.

ج. مهدی از فرزندان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است:

در دسته ای از اخبار، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، مهدی علیه السلام را از فرزندان خود می خواند: «قال رسول اللّه صلی الله علیه و آله و سلم : المهدی مِنّی...»؛(۲) «قال رسول اللّه صلی الله علیه و آله و سلم : المهدی رجلٌ من ولدی(۳)...» و...

حافظ ابوالقاسم عبدالرحمن نخعی سهیلی در کتاب «شرح سیره رسول اللّه صلی الله علیه و آله و سلم » درباره فضیلت و برتری فاطمه علیها السلام بر زنان جهان می نویسد:

و من سؤددها ان المهدی المبشر به فی آخرالزمان من ذریتها فهی مخصوصه بهذه الفضیله دون غیرها؛

یعنی، از دلایل بزرگی و عظمت فاطمه علیها السلام این است که آن مهدی که مژده ظهور او را در

۱- عقد الدرر فی اخبار المنتظر ، ص ۳۵

۲- مستدرک حاکم ، ج ۴، ص ۵۵۷؛ الجامع الصغیر ، ج۲، ص ۶۷۲، ح ۹۲۴۴

۳- کمال الدین ، ج۱، ص ۲۸۷، ح ۵، باب ۲۵؛ فرائدالسمطین ، ج۲، ص ۳۳۵، ح ۵۸۷

آخرالزمان داده اند، از ذریه او است. پس این فضیلت ویژه فاطمه علیها السلام است نه غیر او.(۱)و(۲)

بنابر آنچه بیان شد به روشنی درمی یابیم که امام مهدی علیه السلام یکی از فرزندان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و عترت و اهل بیت آن حضرت است که مصداق حدیث ثقلین می باشد و هیچ گاه از قرآن جدا نمی شود و سیره و روش ایشان بر اساس کتاب شریف الهی است. بشر نیز در این زمان جز با تمسّک به قرآن و تبعیت از دستورات آن حضرت، از سرچشمه هدایت سیراب نخواهد شد.

۲. حدیث «من مات و لم یعرف»

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید:

«من مات و لم یعرف امام زمانه مات میته جاهلیه»؛ هر کس بمیرد و امام زمان خود را نشناسد به

۱- عقدالدرر ، ص ۲۰۵

۲- برای آگاهی بیشتر ر.ک: کتاب اللّه و اهل البیت فی حدیث الثقلین و امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در حدیث ثقلین، تألیف جمعی از نویسندگان. آنچه در اینجا آمده بود اقتباس از آن کتاب است

مرگ جاهلیت مرده است.(۱)

در میان اهل سنت صاحبان صحاح ستهاین حدیث را از هفت نفر از صحابه نقل کرده اند:

۱. زید بن ارقم؛ ۲. عامر بن ربیعه غنمی؛

۳. عبداللّه بن عباس؛ ۴. عبداللّه بن عمر؛

۵. ابوالدرداء؛ ۶. معاذبن جبل؛ ۷. معاویه بن ابی سفیان.

علاوه بر این هفت نفر، احادیث مشابهی نیز از ابوهریره و انس بن مالک نقل شده است. کافی است بدانیم که تنها علامه مجلسی (ره) این حدیث را با چهل سند از طرق اختصاصی شیعه در بحارالانوار آورده است.(۲)

علمای اهل سنت این حدیث را در بیش از هفتاد کتاب از منابع حدیثی خود آورده اند که بعضی از آنها عبارت است از ۱. سنن ابوداود؛

۲. مصنف حافظ عبدالرزاق بن همام صنعانی؛

۳. سنن سعید بن منصور خراسانی؛ ۴. طبقات الکبری محمد بن سعد کاتب واقدی؛ ۵. مسند

۱- صحیح بخاری ، ج ۵، ص ۱۳؛ صحیح مسلم ، ج ۶، ص ۲۱، ۲۲

۲- بحارالانوار ، ج ۲۳، صص ۷۶ _ ۹۵

حافظ ابوالحسن علی بن جعد جوهری؛ ۶. مصنف ابن شیبه؛ ۷. صحیح بخاری ۸. صحیح مسلم و....(۱)

یکی از محققان، از میان ۳۳ متن این حدیث سی متن آن را آورده و دسته بندی کرده است که در این میان ده متن آن به اهل سنت و سیزده متن آن به شیعه اختصاص دارد. هفت متن باقی مانده نیز عیناً در منابع مورد اعتماد شیعه و سنی ذکر شده است. ایشان به ذکر اسامی افرادی که مدعی «متواتر» بودن این حدیث هستند، می پردازد و از افرادی مانند شیخ مفید، شیخ بهایی، علامه مجلسی، قندوزی حنفی و قاضی بهلول بهجت افندی زنگنه زوری و ابن ابی الحدید نام می برد.(۲)

این حدیث با وجود فراوانی متون و اختلاف در بعضی کلمات، اکثراً با عبارت «مات میته جاهلیه» و گاهی هم با عبارت «مات یهودیاً او نصرانیاً» یا با تعبیری که بیانگر سوء

۱- فقیه ایمانی، شناخت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ، صص ۳۰ _ ۴۰

۲- او خواهد آمد ، صص ۷۳ _ ۹۲

عاقبت چنین فردی است، به پایان می رسد.

بخش ابتدایی این احادیث از دو حال خارج نیست: گروهی با «من مات» شروع می گردد و نتیجه عدم شناخت امام زمان را مرگ جاهلی می داند و بخشی دیگر، با الفاظی چون «من خرج» شروع می شود و تمرّد و نافرمانی از امام را به مرگ جاهلی منتهی می داند. امامی که نشناختن او مرگ جاهلی و سرپیچی از دستوراتش جهنم را در پی دارد، امامِ واجد شرایط و دعوت کننده به امر الهی است؛ نه امام کفر و دعوت کننده به آتش و آلوده به انواع فسق و فجور.

بر این اساس چنین امامی قبل از هر چیز باید:

۱. دارای بالاترین مقام علمی و شایستگی همه جانبه ای باشد که بتواند در قلمروی وسیع و پهناور، امامت و رهبری اسلامی را بر عهده گیرد تا مسلمانان در صورت شناخت او و پیروی از دستوراتش، از مرگ جاهلی رهایی یابند.

۲. از پاکی همه جانبه و مصونیت از هوا و خطا برخوردار باشد تا نه تنها خود دچار کج روی های عقیدتی، علمی و عملی نگردد؛ بلکه گروه ها و افراد را نیز به حق رهنمون شود.

ص:۵۸

چنین امامی است که شناخت یا عدم شناخت او، سرنوشت ساز است و بهشت یا جهنم را برای آدمی مسجّل می کند.

بـا توجه به نوشـته مورخـان، پیامبر اکرم صـلی الله علیه و آله و سـلم از آغاز امر نبوت و نخستین روزهای بعثت، این حقیقت را گوشزد فرمود که هیچ فرد یا گروهی ــ حتی خود حضرت ــ در تعیین زمامدار و خلیفه بعد از خود مستقل نیست؛ بلکه اختیار و انتخاب آن به دست خداوند است.

به عنوان نمونه قـبیله بنی عـامر بن صعصـعه به آن حضـرت گفتنـد: اگر از تو پیروی کنیم و تو بر مخالفـان خود پیروز شوی آیا زمام امور بعد از خود را به دست ما می دهی؟ رسول خدا فرمود:

«زمام امر به دست خدا است و هر طوری که او بخواهد عمل می کند».(۱)

بر این اساس امامت و خلافت پس از پیامبر صـلی الله علیه و آله و سـلم چیزی نیست که به مردم واگـذار شود. اگر طبق عقیـده اهل سـنت اختیار این کار به خود امت واگـذار شود، دیگر معنا ندارد که مسـلمانان را ترغیب کنند که امام خود را بشناسـند تا مبادا

۱- سیره ابن هشام ، ج ۲، ص ۶۶

بر اثر نشناختن او، گرفتار مرگ جاهلی شوند و سرنوشت آنان به جهنم منتهی گردد؛ چرا که خودشان امام را انتخاب کرده اند.

با دقت در حدیث «من مات...» و آنچه گفته شد نکات زیر به دست می آید:(۱)

۱. ضرورت اصل امامت و رهبری واجد شرایط در نظام عقیدتی اسلام؛

۲. ضرورت استمرار امامت و وجود امام در هر زمانی؛

۳. تعداد امام برحسب زمان مختلف است، نه بر حسب کشورها و نژادها؛

۴. نشناختن امام زمان در هر عصری، انسان را به مرگ جاهلیت می میراند؛

۵. لزوم اعلم و اتقی بودن امام؛

۶. نفی امامت عموم متصدیان و مدعیان خلافت که شرایط آن را ندارند؛ (به دلیل انطباق نداشتن راه و رسم آنها با امام زمان، و اینکه هیچ کس نشناختن آنان را موجب مرگ جاهلیت نمی داند)؛

۷. خلاصه شدن راه های شناخت امام

۱- فقیه ایمانی، شناخت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ، صص ۷۸_۸۰

زمان، در معرفی از سوی پیامبر یا امام پیشین و یا اظهار معجزه؛

۸. هر کس در برابر سؤال از امام زمان خود پاسخی نداشته باشد و بر آن حال بمیرد، به مرگ جاهلیت مرده است؛

۹. با توجّه به قطعی بودن حدیث «من مات» تنها شیعه دوازده امامی در پرتو عقیده راستین به امامت ائمه اثناعشر _ که آخرین آنان حضرت مهدی موعود علیه السلام است _ مصداق بی چون و چرای این حدیث است (شرایطی که امام باید داشته باشد، تنها در امامان دوازده گانه شیعه یافت می شود)؛

۱۰. بر اساس این حدیث و احادیث دیگر درباره تعداد خلفای پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و امامان دوازده گانه شکی نیست که دوازدهمین امام و خلیفه رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم حضرت مهدی موعود علیه السلام است.(۱)

۳. حدیث «اثنا عشر خلیفه»

اشاره

جابر بن سمره می گوید:

«سمعت رسول اللّه یقول:

۱- بر گرفته از شناخت امام و اصالت مهدویت در اسلام از دیدگاه اهل تسنن

لایزال الاسلام عزیزاً الی اثنی عشر خلیفه ثم قال کلمه لم اسمعها فقلت لأبی ما قال؟ فقال کلهم من قریش»؛(۱)

شنیدم پیامبر خدا می فرمود: همواره اسلام در سایه دوازده خلیفه [من] عزیز می ماند. سپس کلمه ای فرمود که من نشنیدم، پس به پدرم گفتم: چه فرمود؟ گفت: همه آنان از قریش هستند.

این حدیث را فریقین(۲) در کتاب های حدیثی خود نقل کرده اند و همگی صدور آن را از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم قبول دارند. بنابراین مهم آن است که بدانیم این دوازده خلیفه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم چه کسانی اند. از دو طریق می توان به مراد آن حضرت پی برد که یکی مراجعه به روایات و دیگری بررسی تاریخی است.

۳_۱. بررسی روایات

برای فهم درست کلام هر گوینده ای، باید

ص:۶۲

۱- صحیح مسلم ، ج ۶، چاپ مصر، ص ۱۰۲

۲- صحیح بخاری ، ج ۲، ص ۱۴۷، ح ۷۹، صحیح مسلم ، ج ۳، ص ۱۴۵۳، ح ۵؛ غیبت طوسی ، ص ۸۸؛ غیبت نعمانی ، ص ۷۵

به قرینه هـای موجود در کلاـم او توجّه کرد و کلمات دیگر او را در نظر گرفت تا مراد از امور مجمل روشن شود. با مراجعه به احادیث نبوی می بینیم که آن حضرت به روشنی مراد خویش را از دوازده خلیفه به طور مکرر بیان کرده است؛ از جمله:

۱. محمد بن ابراهیم حمّوئی شافعی از عبداللّه بن عباس نقل می کند:

«قـال رسـول اللّه صـلی الله علیه و آله و سـلم : ان خلفـائی و اوصـیائی و حجـج اللّه علی الخلـق بعـدی إثنی عشـر، اَوَّلُهُمْ اخی و آخرهم وَلَدی. قیـل یـا رسول اللّه و من اخوک؟ قال: علی بن ابی طالب، قیل: و من وَلَدُک؟ قال: المهـدی الـذی یملأ الارض قسطا و عدلاً کما مُلئت جوراً و ظلماً»؛(۱)

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: خلفا و اوصیای من و حجت های خدا بر خلق پس از من دوازده نفر هستند: اولین آنان برادرم و آخرین آنان پسر من است. گفته شـد:ای رسول خـدا: برادر شـما کیست؟ فرمود: علی بن ابی طالب. سؤال شـد: فرزند

۱- فرائد السمطین ، ج ۲، ص ۳۱۲، ح ۵۶۲

شما کیست؟ فرمود: مهـدی و او همان کسـی است که زمین را پر از عدل و داد می کند، همان گونه که سـرشار از ظلم و جور شده باشد.

در این حدیث پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم برای تبیین مراد از دوازده خلیفه، به معرّفی امام اول و امام دوازدهم اکتفاء می کند؛ در حالی که در مواقع دیگر اسامی همه دوازده خلیفه را بیان می کند و حتی اسم پدرانشان را نیز برمی شمرد.

۲. پیامبر اکرم صـلی الله علیه و آله و سـلم فرمود: «ان وصـیی و الخلیفهَ من بعـدی علی بن ابی طالب و بعـده سـبطای الحسن ثم الحسـین یتلوه تسعهٌ من صلب الحسین ائمهُ ابرار. قال [نعثل] یا محمد فسمّهم لی قال: نعم اذا مضی الحسینُ فابنه علی، فاذا مضی علی فابنه محمد فاذا مضی محمدٌ فابنه جعفر فاذا مضی جعفر فابنه موسی فاذا مضی موسی فابنه علی فاذا مضی علی فابنه محمد ثم ابنه علی ثم ابنه حسن ثم الحجهُ بن الحسن، فهذه اثنا عشر ائمهً عَدَدَ

نقباء بنی اسرائیل»؛(۱)

جانشین و خلیفه بعد از من علی بن ابی طالب علیه السلام است و بعد از او دو نوه من حسن علیه السلام و سپس حسین علیه السلام هستند. سپس نه فرزند حسین علیه السلام امام خواهند بود. [نعثل] گفت: ای محمد صلی الله علیه و آله و سلم آن نُه نفر را نام ببر. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: وقتی حسین علیه السلام از دنیا رفت، فرزندش علی علیه السلام امام است و هنگامی که علی علیه السلام از دنیا رفت، فرزندش محمد علیه السلام به امامت می رسد و چون محمد علیه السلام از دنیا رفت، پسرش جعفر علیه السلام امام خواهد شد و وقتی جعفر علیه السلام از دنیا برود، فرزندش موسی علیه السلام امام است و هنگامی که موسی علیه السلام درگذشت، پسرش علی علیه السلام و بعد از او فرزندش حسن علیه السلام و بعد از او حجه بن الحسن علیه السلام امام خواهد بود. اینان دوازده امام به عدد نقبای بنی اسرائیل هستند.

با توجه به این روایات و احادیث دیگر شیعه و سنی، روشن می شود که مراد از دوازده خلیفه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، همین امامان

۱- فرائد السمطین ، ج ۲، ص ۱۳۳، ذیل حدیث ۴۳۱؛ ینابیع الموده ، باب ۷۶، ص ۴۴۱

دوازده گانه است.

۳_۲. بررسی تاریخی

در تاریخ اسلام، دوازده خلیفه ای که حافظ و نگهبان عزت اسلام باشند _ جز دوازده امامی که شیعه به آنان معتقد است _ نمی توان یافت؛ زیرا دوازده خلیفه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم بلافاصله پس از آن حضرت به عنوان خلیفه ایشان معرفی شدند، از طرفی مایه عزّت اسلام بودند و هیچ وقت اسلام بدون آنان نبوده است. چنان که از ظاهر «لایزال» فهمیده می شود.

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در هیچ زمانی بدون خلیفه نبوده است. حال باید دید این دوازده نفر کیستند؟ تاریخ زندگی خلفای اموی و عباسی نشان می دهد که آنان هیچ وقت مایه عزّت اسلام نبودند! ولی دوازده امام شیعه علیه السلام _ که همگی در عصر خود مظهر تقوا و حافظ سنت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بوده اند، پیوسته مورد توجه صحابه و تابعین و نسل های بعدی قرار داشتند و به علم و وثاقت معروف بودند.

علاوه بر این، کسی غیر از شیعه، دوازده امامی را که از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم تا آخر دنیا استمرار

ص:۶۶

داشته باشد، معرفی نکرده است، اگر تنها مصداق حدیث «اثنی عشر خلیفه» را بپذیریم، با مراجعه به تاریخ می بینیم که یازده امام آمده و شهید شده اند و اکنون دوران امامت و خلافت دوازدهمین امام _ حضرت مهدی علیه السلام _ است.

خلاصه

مجموع اخباری که با عنوان «اثنی عشر خلیفه» و تعابیر همانند آن آمده، نشانگر این است که:

۱. امامان دوازده نفر هستند.

۲. امامت آنان تا پایان دنیا مستمر است؛ (با توجه به جمله «لایزال الاسلام و لاینقضی»).

۳. همگی آنان از قریش هستند.

۴. غیر از شیعه کسی چنین ادعایی ندارد.

۵. حضرت مهدی علیه السلام، دوازدهمین امامی است که از سال ۲۶۰ امامت را بر عهده دارد.

پس آن ثِقل همدوش قرآن که باید به آن تمسّک نمود و خلیفه ای که در پرتو امامت او، اسلام عزیز می گردد و نشناختن او باعث خروج از اسلام می شود، همان حضرت مهدی علیه السلام است.

ص:۶۷

فصل ۲: احادیث خاص

اشاره

ص:۶۸

از آنچه در بخش نخست گـذشت، دانستیم که همه معصومین علیهم السـلام دربـاره «مهـدویت» سـخن گفته انـد و کمتر راوی وجود دارد که درباره آن روایتی نقل نکرده باشـد. در جوامع روایی، بیش از دو هزار حـدیث در این باره نقل شده است. برای نمونه مؤلف منتخب الا ـثر با اسـتفاده از ۱۵۷ منبع شـیعی و سـنی، قریب ۹۰۰ روایـت را بـدون تکرار و به طـور کامـل ذکر می نمایـد. در اینجا از میان احادیث فراوان و مباحث گسترده، به بیان موارد مشترک مسائل مهـدویت در روایات شـیعه و سـنی می پردازیم و سپس برخی از موارد اختلافی را نیز به طور خلاصه بیان می کنیم.

ص:۶۹

یک. عرصه های مشترک

اشاره

در زمینه «مهدویت» مسائلی مورد اتفاق شیعه و اهل سنت است که با اشاره به برخی از آنها برای هر یک، شاهدی از روایات فریقین یا کلمات علمای آنان می آوریم.

از آنجا که این روایات در مصادر حدیثی مورد قبول اهل سنت است؛ لذا آنها را به عنوان نظر آنان قلمداد می کنیم.(۱)

۱_۱. اصل مهدویت

یکی از موارد اتفاقی بین شیعه و اهل سنت در قضیه مهدویت، اتفاق بر اصل آن است. امت اسلامی _ به غیر از گروهی اندک از غربزدگان و روشنفکرنمایان مانند احمد امین مصری _ بر این مسأله اتفاق دارند که در آخر الزمان شخصی به نام مهدی علیه السلام از فرزندان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ظهور کرده و زمین را پر از عدل و داد خواهد کرد.

۱- با استفاده از کتاب شیعه شناسی و پاسخ به شبهات، تألیف علی اصغر رضوانی و مجله طلوع ، شماره پنج، مقاله موارد اتفاق مذاهب در قضیه مهدویت، صص ۲۱ _ ۳۸

علت اصلی تأکید بر این اعتقاد، وجود تعداد بسیار و در حد تواتر روایات درباره این قضیه از پیامبراکرم صلی الله علیه و آله و سلم است. معلوم است که هر قضیه ای که به حد «تواتر» برسد، از دایره شک و تردید خارج شده و انسان را به یقین می رساند. شهید صدر در این باره می گوید:

به راستی اعتقاد به حضرت مهدی علیه السلام به عنوان پیشوای منتظَر برای تغییر جهان به عالمی بهتر، در احادیث پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به طور عموم و به ویژه در روایات اهل بیت علیهم السلام آمده است. در روایات فراوان، به طور جدی بر این مسأله تأکید شده که جای هیچ شکی را برای انسان باقی نمی گذارد.

تنها از طرق برادارن اهل سنت حدود چهارصد روایت از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم درباره حضرت مهدی علیه السلام احصا و شمارش شده و بیش از شش هزار روایت برآورده گشته است. این رقم بزرگی است که در بسیاری از قضایای اسلامی بدیهی، نظیری برای آن وجود ندارد؛ قضایایی که معمولا مسلمانان در آن تردید

نمی کنند.(۱)

حافظ ابن حجر عسقلانی می گوید:

تواترت الاخبار بان المهـدی من هذه الامه(۲)؛ اخبار به حـد تواتر دلالت دارد بر اینکه مهدی علیه السـلام از این امت (اسـلام) است.

قاضی شوکانی می گوید:

و هی متواتره بلاشک و لاشبهه(۳)؛ احادیث مهدی بدون شک و شبهه متواتر است.

ابن حجر هیتمی می گوید:

و الاحـادیث التی جاء فیها ذکر ظهور المهـدی علیه السـلام کثیره متواتره(۴)؛ احـادیثی که در آن به ظهور مهـدی علیه السـلام اشاره شده، بسیار زیاد و در حد تواتر است.

قرمانی دمشقی می گوید:

اتفق العلماء علی ان المهدی هو القائم فی آخر الزمان و قد تعاضدت الاخبار علی

۱- بحوث حول المهدی ، ص ۶۲ و ۶۳
۲- فتح الباری ، ج ۵، ص ۳۶۲
۳- ابراز الوهم المکنون ، ص ۴
۴- الصواعق المحرقه ، ج ۲، ص ۲۱۱

ظهوره(۱)؛ علما بر این امر اتفاق دارند که مهدی قیام کننده همان قیام کننده در آخر الزمان است و اخبار و احادیث ظهور آن حضرت، یکدیگر را تأیید می کنند.

مبارکفوری می گوید:

و اعلم ان المشهور بین کافه من اهل الاسلام علی ممر الاعصار انه لابد فی آخر الزمان من ظهور رجل من اهل البیت یسمی بالمهدی(۲)؛ بدان که مشهور بین تمام مسلمانان در طول زمان ها این است که به طور حتم در آخرالزمان، شخصی از اهل بیت ظهور خواهد کرد. او مهدی نام دارد.

۱_۲. وجوب اعتقاد به امر مهدی علیه السلام

قضیه امام مهدی علیه السلام از امور غیبی است که از طریق وحی به آن خبر داده شده است. قرآن به صراحت بر این نکته تأکید دارد که یکی از نشانه های پرهیزکاران، ایمان به غیب است:

«ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيبَ

۱- اخبار الدول و آثار الاول ، ج ۱، ص ۴۶۳

۲- تحفه الاحوذی ، شرح حدیث ۲۳۳۱

فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ الَّذِينَ يؤْمِنُونَ ...»(۱)؛ «آن کتاب (قرآن) تردیدی در آن نیست، هدایت برای متقین است. کسانی که به غیب ایمان دارند...».

شیخ صدوق با تمسک به این دو آیه می گوید:

و لا یکون الایمان صحیحاً من مؤمن الاّ مِن بعد علمه بحال مَن یؤمن به... کذلک لن ینفع ایمان من آمن بالمهدی القائم علیه السلام حتی یکون عارفاً بشأنه فی حال غیبته؛ هیچ مؤمنی ایمان صحیح نخواهد داشت مگر بعد از اینکه علم پیدا کرد به احوال کسی که باید به او ایمان آورد... و همچنین ایمان کسی که مهدی علیه السلام را پذیرفته، نفعی به او نمی رساند؛ مگر در صورتی که عارف به شأن آن حضرت در زمان غیبت باشد.(۲)

به همین سبب در روایات شیعه و سنی منکر خروج مهدی علیه السلام، کافر شمرده شده است. جابر بن عبداللّه از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نقل می کند:

«من انکر خروج

۱- بقره / ۲ و ۳

۲- کمال الدین ، ج ۱، ص ۹۰

المهدی علیه السلام فقد کفر بما انزل علی محمد صلی الله علیه و آله و سلم »؛(۱) کسی که منکر خروج مهدی علیه السلام است به آنچه بر محمد صلی الله علیه و آله و سلم نازل شده، کافر گردیده است.

امام صادق علیه السلام در روایتی در بیان مصادیق غیب _ که ایمان به آن لازم است _ می فرماید:

«متقین، شیعیان امام علی علیه السلام هستند، [و یکی از مصادیق] غیب نیز همان حجت غایب است؛ یعنی، مهدی منتظَر».(۲)

در میان اهل سنت، احمد بن محمد بن صدیق می گوید:

الایمان بخروجه واجب و اعتقاد ظهوره تصدیقاً لخبر الرسول محتمّ(۳)؛ ایمان به خروج مهدی علیه السلام واجب و اعتقاد به ظهور او به جهت تصدیق خبر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم حتمی و ثابت است.

سفارینی حنبلی می گوید:

الایمان بخروج المهدی واجب کما مقرر عند اهل العلم و مدون فی عقاید اهل السنه و

۱- الحاوی للفتاوی ، ج ۲، ص ۸۳

۲- کمال الدین ، ج ۲، ص ۳۴

۳- ابراز الوهم المکنون ، صص ۴۳۳ _ ۴۳۶

الجماعه(۱)؛ ایمان به خروج مهدی واجب است، همان گونه که نزد اهل علم ثابت و در عقاید اهل سنت و جماعت مدون است.

شیخ ناصر الدین البانی وهابی می گوید:

ان عقیده خروج المهدی عقیده ثابته متواتره عنه صلی الله علیه و آله و سلم یجب الایمان به لانها من امور الغیب و الایمان بها من صفات المتقین؛ همانا عقیده به خروج مهدی علیه السلام عقیده ای ثابت و متواتر از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم است که ایمان به آن واجب است؛ زیرا این عقیده از اموری است که ایمان به آن در قرآن، از صفات پرهیزکاران شمرده شده است.(۲)

۱_۳. جهانی بودن دعوت و حکومت مهدی علیه السلام

فراگیر بودن دعوت و حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام مورد اتفاق فریقین است و آیات و روایات بسیاری بر این مسأله دلالت دارد.

خداوند در قرآن می فرماید: «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِی الزَّبُورِ مِن بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ یرِثُهَا عِبَادِی

۱- الاذاعه ، ۱۴۶

۲- مجله التمدن الاسلامی ، ش ۲۲، ص ۶۴۳

الصَّالِحُونَ».(۱) همان گونه که در آیه ای دیگر می فرماید: «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِینَ آمَنُوا مِنکمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَیسْتَخْلِفَنَّهُم فِی الْأَرْضِ».(۲)

علاوه بر این آیات، روایات فریقین نیز بر این موضوع دلالت دارد. حاکم نیشابوری از ابو سعید خدری نقل می کند که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

«تُملأ الارض جوراً و ظلماً فیخرج رجل من عترتی یملک الارض سبعاً او تسعاً فیملأ الارض قسطاً و عدلا(۳)»؛ زمین از ستم و ظلم پر می شود. در این هنگام شخصی از عترتم خروج کرده، مدت هفت یا نه [سال]مالک کل زمین خواهد شد و در این هنگام زمین را پر از عدل و داد می کند.

امام باقر علیه السلام می فرماید:

«یملِک القائمُ ثلاثَ مائهِ سَنَه وَ یزدادُ تِسعاً کما لَبِثَ اهلُ الکهفِ فِی کهْفِهِم یملأُ الارضَ عَدلا وَقِسطاً کما مُلِئتْ ظلماً وَجَوراً فیفتحُ اللّهُ لَه شرقَ الارضِ

ص:۷۷

۱- انبیاء / ۱۰۵

۲- نور / ۵۵

۳- مستدرک الوسائل ، ج ۴، ص ۵۵۸

وَ غَربَها... حتی لایبقی الاّ دینُ مُحمد صلی الله علیه و آله و سلم »؛(۱)

امام مهدی علیه السلام ۳۰۹ سال حاکم بر زمین می شود، همان مقدار که اصحاب کهف در غارشان درنگ کردند، و زمین را پر از عدل و داد می کند، همان گونه که پر از ظلم و جور شده باشد. خداوند برای او شرق و غرب عالم را فتح می کند تا تنها دین محمد صلی الله علیه و آله و سلم بر روی زمین باقی بماند.

۱_۴. نزول عیسی و اقتدا به امام زمان علیه السلام

روایات اسلامی بر این امر اتفاق دارند که هنگام خروج امام مهدی علیه السلام، حضرت عیسی علیه السلام از آسمان فرود می آید و در نماز به آن امام اقتدا می کند. ابوهریره از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل می کند:

«کیف انتم اذا نزل ابن مریم فیکم و امامکم منکم»؛(۲) چگونه اید زمانی که فرزند مریم فرود می آید، در حالی که امام شما فردی از خودتان است؟

ابوبصیر گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود:

«و ینزل روح اللّه عیسی

ص:۷۸

۱- بحارالانوار ، ج ۵۲، ص ۳۹۰، ح ۲۱۲

۲- صحیح بخاری ، ج ۳، ص ۱۲۷۲، ح ۳۲۶۵

ابن مریم علیه السلام فیصلی خلفه...»؛(۱) نازل می شود روح اللّه عیسی بن مریم، پس نماز می خواند پشت سر او (امام مهدی علیه السلام).

۱_۵. خسف بیداء

از دیگر امور اتفاقی در مورد امام مهدی علیه السلام بیان علایم ظهور است. عایشه از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نقل کرده است:

«یغزو جیشٌ الکعبهَ فاذا کانوا ببیداء من الارض یخسف بأولهم و آخرهم»؛(۲)لشگری آهنگ کعبه می کنند، پس هنگامی به زمین بیداء در آمدند، [زمین] همه آنها را فرو می برد.

جابر گوید: امام باقر علیه السلام فرمود:

«فینزل امیر جیش السفیانی البیداء فینادی مناد من السماء یا بیداء أبیدی القوم فیخسف بهم...»؛(۳) پس فرود می آید امیر لشگر سفیانی [همراه با لشگرش] به [زمین]بیداء، پس منادی از آسمان ندا

۱- کمال الدین ، ج ۲، ص ۳۴۵، ح ۳۱
۲- صحیح بخاری ، ج ۲، ص ۷۴۶، ح ۲۰۱۲
۳- غیبت نعمانی ، ص ۲۷۹، ح ۶۷

می دهد: ای [زمین] بیداء نابود کن قوم (لشکر) را. پس آنها را در خود فرو می برد.

۱_۶. اتفاق بر لقب «مهدی علیه السلام»

یکی دیگر از اموری که مسلمانان درباره امام مهدی علیه السلام بر آن اتفاق دارند، لقب شریفی است که به آن وجود مقدس اطلاق شده و آن «مهدی» است. کعب گوید:

انما سمی المهدی لانه یهدی لامر قد خفی؛(۱) به درستی که او را مهدی علیه السلام نامیدند، زیرا هدایت می کند (یا هدایت می شود) به امری که مخفی است.

منظور از امر خفی، همان تورات و انجیل است که مخفی هستند و کسی جایشان را نمی داند.(۲)

از ابوسعید خراسانی نقل شده است:

«قلت لأبی عبداللّه علیه السلام : المهدی و القائم واحد؟ فقال: نعم. فقلت: لأی شئ سمی المهدی؟ قال: لانه

۱- الجامع معمر بن راشد، ج ۱۱؛ مصنف صنعانی، ص ۳۲۷، ح ۲۰۷۷۲
۲- فتن ، نعیم بن حماد، ج ۱، ص ۳۵۷

یهدی الی کل امر خفی»؛(۱) «به امام صادق علیه السلام گفتم: مهدی و قائم یک نفر است؟ فرمود: آری. پس پرسیدم: چرا او را مهدی نامیدند؟ فرمود: چون هدایت می شود به هر امر مخفی».

۱_۷. امداد الهی

از جمله اموری که نزد فریقین درباره وجود مقدس امام مهدی علیه السلام مشترک است، مسأله امدادهای خاص الهی است. این امدادها به صورت های گوناگون در احادیث به تصویر کشیده شده که به بعضی از آنها اشاره می شود:

ابوهریره از وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل می کند:

«لاتقوم الساعه حتی تقاتلوا الیهود حتی یقول الحجر وراءه الیهودی یا مسلم هذا یهودی ورائی فاقتله»؛(۲)«ساعت بر پا نمی شود تا اینکه با یهود جنگ و مقاتله خواهد شد. حتی سنگی که در پشت او یهودی مخفی شده، می گوید:ای مسلمان! پشت

۱- غیبت طوسی، ص ۴۷۱

۲- صحیح بخاری، ج ۳، ص ۱۰۷۰، ح ۲۷۶۸

من یک یهودی است او را بکش».

ابوبصیر از امام صادق علیه السلام نقل می کند:

«فاذا خرج القائم لم یبق کافر بالله العظیم و لامشرک بالامام الاّ کره خروجه حتی ان لو کان کافرا او مشرکا فی بطن صخره لقالت یا مؤمن فی بطنی کافر فاکسرنی واقتله»؛(۱) «هنگامی که قائم علیه السلام خروج کند باقی نمی ماند کافری به خدای بزرگ و نه مشرکی به امام؛ مگر اینکه دوست ندارد خروج او را، [چرا که در زمان خروج او] حتی اگر کافر یا مشرکی خود را در داخل سنگی قرار دهد، هر آینه آن صخره می گوید: ای مؤمن! در داخل من کافری است مرا بشکن و او را بکش»

۱_۸. طلوع خورشید از مغرب

یکی از مواردی که هم عامه و هم خاصه در مورد وقایع مقارن با عصر ظهور امام مهدی علیه السلام به آن اشاره دارند، طلوع خورشید از مغرب است.

ابوهریره از قول پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نقل می کند:

۱- کمال الدین ، ج ۲، ص ۶۷۰، ح ۱۶

«لاـتقوم الساعه حتی تطلع الشمس من مغربها فاذا طلعت فرآها الناس آمنوا أجمعون فذلک حین لاینفع نفسا ایمانها لم تکن آمنت من قبل او کسبت فی ایمانها خیراً»؛(۱) «قیامت برپا نمی شود تا اینکه طلوع کند خورشید از مغربش؛ پس هنگامی که طلوع کرد و مردم او را دیدند همه ایمان می آورند. پس آن زمان ایمان کسی که قبلا ایمان نیاورده یا به دست نیاورده در ایمانش خیری را (فقط ایمان ظاهری داشته) نفعی ندارد».

۱_۹. مهدی علیه السلام از فرزندان فاطمه علیها السلام

یکی دیگر از موارد مشترک بین عامه و خاصه این است که حضرت مهدی از اهل بیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و از فرزندان حضرت فاطمه زهرا علیها السلام است.

ام سلمه در روایتی از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نقل می کند:

«المهدی من عترتی من ولد فاطمه»؛(۲)«مهدی از عترت من از فرزندان فاطمه علیها السلام است».

۱- صحیح بخاری، ج ۵، ص ۲۳۸۶، ح ۶۱۴۱

۲- سنن ابی داود، ج ۴، ص ۱۰۷، ح ۴۲۴۸؛ غیبت طوسی، ص۱۸۵

۱_۱۰. مشخصات ظاهری امام

بـا توجه به اینکه امـام مهـدی علیه السـلام پس از غیبتی طولانی ظهور خواهـد کرد و مردم ایشان را قبلا نمی شـناختند، لـذا در روایـات به مشـخصات ظـاهری آن بزرگوار اشاره شـده است و فریقین اینگونه روایات را در کتاب های روایی خود ذکر کرده اند. ابوسعید خدری از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم نقل می کند:

«المهـدی منّی، أجلی الجبهه، أقنی الأـنف، یملأـ الأرض قسـطاً و عـدلا کما ملئت جوراً و ظلما»؛(۱) «مهدی علیه السـلام از من است، پیشانی او آشـکار و هویـداست، بینی بلنـد و کشـیده دارد. زمین را پر از عدل و داد می کند، همان گونه که پر از ظلم و جور شده است».

ابی وائل می گوید: امام علی علیه السلام به حسین علیه السلام نظری کرد و فرمود:

«و سیخرج اللّه من صلبه رجلا باسم نبیکم... و هو رجل اجلی الجبین و اقنی الانف... و یملأ الارض عدلاکما ملئت

ص:۸۴

۱- سنن ابی داود، ج ۴، ص ۱۰۷، ح ۴۲۸۵

ظلماً و جوراً»؛(۱) «به زودی خداوند خارج می کند از صلب او [حسین علیه السلام]مردی را که هم نام پیامبرتان است... و او مردی بلند پیشانی و کشیده بینی است... او پر می کند زمین را از عدل، همان گونه که از ظلم و ستم پر شده است».

۱_۱۱. فراوانی نعمت در زمان امام علیه السلام

یکی دیگر از موارد مشترک بین عامه و خاصه، ویژگی دوران ظهور و خیر و برکت فراوان و نعمات بی پایان الهی است که در اختیار مردمان زمان او قرار می گیرد. ابوسعید خدری از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نقل می کند:

«یکون فی امتی المهدی ان قصر فسبع و الا فتسع فتنعّم فیه امتی نعمه لم ینعموا مثلها قط... و المال یومئذ کدوس فیقوم الرجل فیقول یا مهدی أعطنی فیقول خذ»؛(۲) «در امت من مهدی، اگر [مدت او]کوتاه باشد هفت سال وگرنه نه سال [حکومت می کند]پس

ص:۸۵

۱- غیبت نعمانی، ص ۲۱۴، ح ۲

۲- سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۳۶۶، ح ۴۰۸۳

متنعّم می شونـد در [زمان] او امت من به نعماتی که هرگز مثل آن متنعّم نشـده بودنـد... و مال در این هنگام (نزد او) متراکم و جمع است. پس مردی بر می خیزد و می گوید: ای مهدی! عطا کن. پس می گوید: بگیر».

عبد خیر می گوید: از امیرمؤمنان علی علیه السلام شنیدم که فرمود:

«قال لی رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله یا علی! الائمه الراشدون المهتدون المعصومون من ولدک احد عشر اماما و انت اولهم و آخرهم اسـمه اسـمی یخرج فیملأ الأرض عـدلا کما ملئت جورا و ظلما یأتیه الرجل و المال کـدوس (مجموع) فیقول یا مهـدی اعطنی فیقول خذ»؛(1) «پیامبر به من فرمود:ای علی! امامان هـدایت شـده معصوم از فرزنـدان تو یازده نفرنـد و تو نخستین آنان هستی و آخرین آنـان هم اسم من است. خارج می شود و زمین را از عـدل پر می کنـد؛ همان گونه که از ظلم و سـتم پر شـده بود، فردی نزدش آمد. اموال (نزد امام)

ص:86

1- غیبت نعمانی، ص ۹۲، ح ۲۳

متراکم است.می گوید: ای مهدی، عطا کن. پس امام می گوید: بگیر.

۱_۱۲. بیعت بین رکن و مقام

یکی دیگر از ویژگی های امام مهدی علیه السلام، مکان بیعت ایشان (کنار خانه کعبه) است. این ویژگی نیز در کتاب های عامه و شیعه ذکر شده است. احمد حنبل در روایتی از وجود مقدس پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نقل می کند:

یبایع لرجل ما بین الرکن و المقام»؛(۱)«با مردی بین رکن و مقام بیعت می کنند».

جابر جعفی از امام باقر علیه السلام نقل می کند:

«یبایع القائم بین الرکن و المقام ثلاثمائه و نیف عده اهل بدر...»؛(۲) «بیعت می کنند با قائم بین رکن و مقام سیصد و چند نفر به تعداد اهل بدر...»

۱_۱۳. عدالت فراگیر

از ویژگی بارز امام مهدی علیه السلام حکومت عدالت گستر ایشان است. فراگیری عدل و داد در

۱- مسند احمد، ج ۲، ص ۲۹۱، ح ۷۸۹۷

۲- غیبت طوسی، ص ۴۷۶

بسیاری از روایات مربوط به حضرت بیان شده است. ابوسعید خدری در ضمن روایتی از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم نقل می کند:

«المهدی منی... یملأ الارض قسطا و عدلا کما ملئت جوراً و ظلماً»؛(۱) «مهدی علیه السلام از من است... زمین را از عدل و داد پر می کند همان گونه که از ظلم و جور پر شده است.»

صقربن ابی دلف می گوید: از امام هادی علیه السلام شنیدم که فرمود:

«ان الامام بعدی الحسن اِبنی و بعد الحسن ابنه القائم الذی یملأ الأرض قسطا و عدلا کما ملئت جورا و ظلما»؛(۲) «امام بعد از من حسن علیه السلام است و بعد از حسن علیه السلام فرزندش قائم [جانشین او است]کسی که زمین را از عدل و داد پر می کند همانگونه که از ظلم و ستم پر شده است».

۱- سنن ابی داود، ج ۴، ص ۱۰۷، ح ۴۲۸۵

۲- کمال الدین ، ج ۲، ص ۳۸۳، ح ۱۰

۱_۱۴. هم نام با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم

یکی دیگر از مواردی که عامه و خاصه درباره امام مهدی علیه السلام در آن اشتراک نظر دارند، نام مبارک آن حضرت است. عبداللّه از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نقل می کند:

«لاتذهب أو لاتنقضی الدنیا حتی یملك العرب رجل من اهل بیتی یواطیء اسمه اسمی»؛(۱) «دنیا به پایان نمی رسد یا دنیا تمام نمی شود تا اینکه مردی از اهل بیتم _ که هم نام من است _ بر عرب حاکم می شود».

هشام بن سالم از امام صادق علیه السلام از پدرانش علیهم السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل می کند:

«القائم من ولدی، اسمه اسمی و کنیته کنیتی و شمائله شمائلی و سنته سنتی...»؛(۲) «قائم از فرزندان من است، اسم او اسم من و کنیه او کنیه من است، و شمایل و خصوصیات او شمایل من و سنت و روش او، سنت من است».

۱- سنن ابی داود، ج ۴، ص ۱۰۶، ح ۴۲۸۲

۲- کمال الدین ، ج ۲، ص ۴۱۱، ح ۶

دو. عرصه های اختلافی

اشاره

همان گونه که گذشت دومذهب شیعه و سنی، در محورهای مختلفی درباره مهدویت اشتراک نظر دارند؛ با این وجود گروهی از اهل سنت در بعضی موارد دیدگاهی متفاوت با شیعیان دارند.

آنچه که در این عرصه قابل توجه است، موضوع ولادت و نسب آن حضرت است. در میان اهل سنت دو نظر وجود دارد: گروهی از آنان، عقیده ای مطابق با نظر شیعیان دارند و معتقدند که امام مهدی علیه السلام در سال ۲۵۵ به دنیا آمده است و برخی دیگر آن را انکار می کنند. در اینجا به بررسی این مطلب می پردازیم.

۲_۱. ولادت امام مهدی علیه السلام

اثبات ولادت هر فردی، پیش از هر چیزی با اعلام پدر وی و شهادت دادن قابله ای صورت می پذیرد که هنگام به دنیا آمدن نوزاد، مددکار مادر او بوده است؛ هر چند کسی غیر از این دو، او را مشاهده نکرده باشد. چه رسد به اینکه صدها تن دیگر نیز وی را دیده باشند و خود او به اموری مبادرت ورزیده باشد که افراد زیادی از آن مطلع شده اند. تعلیمات، سفارش ها، راهنمایی،

ص:۹۰

نصیحت ها، نامه ها، دعاها، سخنان مشهور و اخبار منقولی از ایشان صادر شده باشد و وکلای وی معروف و سفیران او معلوم و معین باشند، و در هر عصر و در میان هر نسلی میلیون ها نفر پیرو داشته باشد. علاوه بر همه این قراین و شواهد، احادیث متعددی دلالت بر ولادت امام مهدی علیه السلام دارند. صرف نظر از روایات عام امامت (مانند حدیث ثقلین و اثنی عشر خلیفه...) که وجود امام در هر زمانی و مصداق فعلی آن را ثابت می کند. روایات خاص مهدویت و بشارت هایی که ائمه علیهم السلام به ولادت آن حضرت داده اند و راهنمایی هایی که معصومان علیهم السلام در پاسخ به سؤال شیعیان از ائمه بعد از آنان داشته اند، بر این امر دلالت دارد. به عنوان نمونه چند روایت ذکر می شود:

۱. احمد بن اسحاق می گوید: شنیدم امام حسن عسکری علیه السلام فرمود:

«الحمد لله الذی لم یخرجنی من الدنیا حتی ارانی الخلف من بعدی»؛(۱)«سپاس خدایی را که مرا از

۱- منتخب الاثر ، ۳ جلدی، ج ۲، باب چهارم، ح ۷۹۱

دنیا خارج نکرد تا اینکه جانشین مرا نشانم داد».

۲. ابی غانم، خادم امام حسن عسکری علیه السلام می گوید:

«ولـد لابی محمـد علیه السـلام ولـدٌ فسـماه محمـداً، فعرضه علی اصـحابه یوم الثالث و قال: هـذا صاحبکم من بعـدی، و خَلیفتی عَلیکم وَ هو القائم الـذی تمتد الیه الاعناق بالانتظار»؛(۱) «برای ابی محمد امام حسن عسـکری علیه السـلام فرزندی به دنیا آمد. پس او را محمد نام گزارد. پس روز سوم امام حسن علیه السلام او (فرزند) را به اصحاب نشان داد و فرمود: این صاحب و امام شما بعد از من و جانشین من بر شما است و او قائمی است که گردن ها به انتظار او کشیده می شود».

۳. امام هادی علیه السلام فرمود:

«ان الامام بعـدی الحسن ابنی، و بعـد الحسن ابنه قائم الـذی یملأ الارض قسـطا و عدلا کما ملئت جوراً و ظلماً»؛(۲) «امام بعد از من فرزندم حسن علیه السلام است، و بعد

۱- کمال الدین ، ج ۲، باب ۴۲، ح ۸

۲- کمال الدین ، ج ۲، باب ۳۷، ح ۱۰

از او پسرش قائم علیه السلام [امام است]، همان که پر می کند زمین را از عدل و داد، همان طور که از ظلم و جور پر شده است.»

تذکر: با توجه به مجموع روایات، تواتر معنوی روایات ولادت را می توان ثابت کرد.

۲_۲. نَسَب امام مهدی علیه السلام

گروهی از اهل سنت با وجود اعتقاد به مهدویت و ویژگی های آن حضرت، بر اساس برخی از احادیث معتقدند که ایشان از اولاد امام حسن مجتبی علیه السلام است نه از فرزندان امام حسین علیه السلام.

پژوهش های انجام شده در کتاب های اهل سنت نشان دهنده وجود تنها یک حدیث در این مورد است که در سنن ابو داود سجستانی آمده است:

«قال علی علیه السلام _ و نظر الی ابنه الحسن _ فقال: انّ ابنی هذا سید کما سمّاهُ النبی صلی الله علیه و آله و سلم و سیخرج من صلبه رجل یسمی باسم نبیکم یشبهه فی الخَلْق...»؛(۱)

۱- سنن ابو داود، ج ۴، ح ۴۲۹۰

حضرت علی علیه السلام ــ در حالی که به فرزندش حسن نگاه می کرد ــ گفت: «به درستی که این فرزندم آقا و سرور است، همانگونه که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم او را چنین نامید. و از صلب او مردی متولد می شود که به نام پیامبرتان نامیده می شود و در خلقت شبیه او است...»

پاسخ نخست

با بررسی متن و سند حدیث و مقابله آن با حدیث هایی که امام مهدی علیه السلام را از فرزندان امام حسین علیه السلام می دانند، می توان با دلایل زیر احتمال ساختگی بودن و جعل حدیث را بیان کرد:

۱. اختلاف در نقل حدیث از ابوداود:

جزری شافعی (م ۸۳۳ هـ.) آن را از ابوداود نقل کرده؛ ولی به جای «حسن»، «حسین» ثبت کرده است.(۱)

۲. مقطوعه بودن حدیث:

سند حدیث ناپیوسته است؛ چون شخصی که از حضرت علی علیه السلام نقل کرده ابو اسحاق

۱- المناقب فی تهذیب اسنی المطالب ، صص ۱۶۵ ــ ۱۶۸

سبیعی است. او کسی است که ثابت نشده حتی یک حدیث را خود از حضرت علی علیه السلام شنیده باشد، به طوری که منذری در شرح حدیث به این مطلب تصریح کرده است.(۱) او به هنگام شهادت امیرالمؤمنین علی علیه السلام هفت ساله بوده؛ چون به گفته ابن حجر، او دو سال قبل از پایان خلافت عثمان متولد شده است.(۲)

۳. سند حدیث مجهول است:

ابوداود گوید: «از هارون بن مغیره برایم حدیث شد» و معلوم نیست او چه کسی بوده است. طبق مبانی محدثان اهل سنت، حدیثی که راوی مجهول دارد قابل اطمینان نیست.

۴. وجود روایات معارض از اهل سنت:

این حدیث، با احادیث فراوان دیگر که اهل سنت نقل کرده اند، تعارض دارد؛ چون در آنها تصریح شده که امام مهدی علیه السلام از فرزندان امام حسین علیه السلام است. به عنوان نمونه، حذیفه بن یمان می گوید:

«پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم خطبه ای خواند و برایمان

۱- مختصر سنن ابی داود ، ج ۶، ح ۴۱۲۱، ص ۱۶۲
۲- تهذیب التهذیب ، ج ۲، ص ۵۶، ح ۱۰۰

خبرهایی از آینـده داد و سـپس فرمود: اگر فقط یک روز از عمر دنیا باقی مانـده باشد، خداوند عزوجل آن روز را طولانی می کنـد تا اینکه مردی از فرزنـدانم را برانگیزاند که نامش، هم نام من است. سـلمان به پا خاست و عرض کرد: ای رسول خدا! از کدام فرزندت؟ فرمود: از این فرزندم [و] با دست به حسین علیه السلام زد».(۱)

۵. احتمال تصحیف:

در حـدیث ابوداود احتمال تغییر یافتن «حسـین» به «حسن» ـ به قرینه اختلاف در نقل ـ بعیـد نیست و در غیر این صورت، خبر واحدی است که برابر حدیث متواتر قابل دفاع نیست.

پاسخ دوم

صرف نظر از بحث های بیان شـده، این حـدیث ـ به فرض صـحّت ـ با احادیث فراوان دیگر که امام مهدی علیه السـلام را از نسل امام حسین علیه السلام می داند، قابل جمع است. به این صورت که حضرت مهدی علیه السلام از طرف پدر حسینی و از

۱- المنار المنیف ، ابن قیم، ح ۳۲۹، ص ۱۴۸؛ القول المختصر ، ابن حجر، ج ۴، ص ۳۷

طرف مادر حسنی است و این خود حقیقتی مسلّم است؛ زیرا همسر امام سجاد علیه السلام و مادر امام باقر علیه السلام، فاطمه دختر گرامی حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام بود. و لذا امام باقر علیه السلام از طرف پدر حسینی و از طرف مادر حسنی است. به دنبال آن دیگر امامان واقعاً ذرّیه حسنین علیهما السلام هستند.

در اینجا برای آگاهی بیشتر اسامی برخی از علمای اهل سنت که احادیث فرزند امام حسین علیه السلام بودن امام مهدی علیه السلام را نقل کرده و به حسینی بودن او اعتراف دارند، ذکر می شود:

۱. علامه ابن قتیبه دینوری (م۲۷۶ه_)

۲. حافظ ابوالحسن علی بن عمر دارقطنی شافعی (م۳۸۵ه_)

۳. حافظ ابونعیم اصفهانی (م۴۳۰ه_)

۴. موفق بن احمد مالکی خوارزمی خطیب (م۵۸۶ه_)

۵. شیخ الاسلام ابو العلاء حسن بن احمد بن حسن عطار همدانی (م۵۶۹ه_)

۶. ابن ابی الحدید (م۶۵۶هـ) (۱)

ص:۹۸

۱- برای اطلاع بیشتر ر.ك به: اصالت مهدویت در اسلام ، صص ۷۴ _ ۷۸

فصل ۳: لغزشگاه های احادیث امام مهدی علیه السلام

اشاره

ص:۹۹

موضوع «مهدویت» مانند هر مسأله دیگری، در طول تاریخ دچار هجوم دشمنان و غرض ورزان گردیده است. کسانی که فرهنگ اصیل «مهدویت» مانعی بر سر راهشان بوده و با مطامع و اهداف آنان هم خوانی نداشته است، همیشه درصدد تضعیف مبانی و ارزش های آن برآمده اند. روایات مهدویت یکی از عرصه های تهاجم آنان است که در این بخش به بعضی از اشکالات و پاسخ آنها پرداخته می شود:

شبهه نخست: صحیحین و احادیث امام مهدی علیه السلام

از ادعاهای پوچ و بی اساس برخی، این است که بخاری و مسلم حدیثی درباره

ص:۱۰۰

حضرت مهدی علیه السلام ثبت نکرده اند و این به معنای آن است که موضوع مهدویت نزد آنان پذیرفته نبوده و حدیث صحیحی ندارد و لذا در کتاب خود، روایات مهدویت را ذکر نکرده اند. پیش از بررسی این ادعا، لازم است چند مطلب گوشزد شود:

۱. بخاری در کلام بسیار مشهوری درباره کتاب خود می گوید:

«این کتاب را با یکصد هزار حدیث صحیح (و به قولی با دویست هزار حدیث صحیح) نوشتم و حدیث های صحیحی را که رها کردم، افزون تر است».

بنابراین، به تصریح خود بخاری، آنچه را که نقل نکرده، به علت ضعف نبوده؛ بلکه بسیاری از حدیث هایی را که صحیح می دانسته، در کتابش نیاورده است.

۲. علمای اهل سنت معتقد نیستند که همه روایات نقل نشده در صحیحین، ضعیف می باشند؛ بلکه کاملا عکس این است. از دیدگاه آنان احادیث صحیح بسیاری بوده که در صحیحین ذکر نشده است و لذا آنها را استدراک کرده اند تا بدین وسیله کاستی های

صحیحین را جبران کنند.

۳. هیچ یک از علمای رجال و حدیث شناس اهل سنت، تنها ملاک صحیح بودن یک حدیث را آمدن آن در صحیحین ندانسته اند؛ بلکه بعضی از احادیث _ که صحّت آنها نزد اهل سنت قطعی است _ در صحیحین نیامده است. بهترین گواه این مدعا، حدیث «العشره المبشره بالجنّه» است که هیچ یک از بخاری و مسلم آن را نقل نکرده اند؛ ولی نزد اهل سنت از حدیث های متواتر است.

۴. کسانی که به بهانه نبودن حدیث درباره حضرت مهدی علیه السلام در صحیحین، منکر ظهور آن بزرگوار شده اند، در واقع اطلاع دقیق و کافی از محتوای آنها ندارند.

پاسخ شبهه

پوشیده نیست که احادیث امام مهدی علیه السلام در زمینه های گوناگونی است؛ از جمله: نام شریف، بعضی از اوصاف، نشانه های ظهور، روش و چگونگی حکومت و.... بدیهی است که نیاز حتمی به آوردن کلمه «مهدی» در تمامی این حدیث ها نیست؛ چون منظور از احادیث، کاملا

ص:۱۰۲

روشن و آشکار است. برای مثال ممکن است حدیث صحیحی، در کتابی روایت شده باشد و در آن صفتی از صفات مهدی موعود در آخرالزمان با ذکر کلمه «المهدی» آمده باشد و همین حدیث در بخاری نقل و به جای آن کلمه «رجل (مردی)» ذکر شده باشد. در این صورت کدام عاقل و خردمندی در اینکه این حدیث مربوط به مهدی موعود علیه السلام است، شک و تردید می کند؟ اگر توجه به روایات و مقایسه آنها با یکدیگر را نپذیریم، در غیر این صورت اجمال در بسیاری از حدیث ها به چه شکل بر طرف شده و معنای درست آنها آشکار می گردد؟ آیا نزد علما، راه و روشی جز این است که حدیث مجمل را باحدیث مفصل تفسیر کنند؛ هر چند که آن دو در یک کتاب یا در دو کتاب جداگانه باشند؟

به علاوه، اگر به صحیح بخاری و صحیح مسلم مراجعه کنیم، خواهیم دید که آن دو ده ها حدیث «مجمل» درباره حضرت مهدی علیه السلام نقل کرده اند که دیگر علمای اهل سنت آنها را به حضرت نسبت داده اند؛ زیرا حدیث های «صحیح» دیگری که در دیگر کتاب های

صحیح و مسند و مستدرک ثبت شده، از آنها «رفع اجمال» می کند.

شگفت انگیزتر اینکه حدیث «اَلمَهدِی حَقٌّ وَ هُوَ مِن وُلدِ فاطِمَه» را چهار تن از علمای کاملا مورد وثوق و اطمینان اهل سنت، در کتاب های خود از «صحیح مسلم» نقل کرده اند؛ ولی متأسفانه با مراجعه به چاپ های موجود و در دسترس امروزی این کتاب، اثری از آن وجود ندارد! آن چهار نفر عبارت اند از:

الف. ابن حجر هیتمی (م۹۷۴ هـ) در کتاب الصواعق المحرقه باب یازدهم، فصل اول، ص۱۶۳؛

ب. متقی هندی حنفی (م ۹۷۵ هـ) در کتاب کنزالعمال، (ج ۱۴، ص ۲۶۴، ح ۳۸۶۶۲)؛

ج. شیخ محمد علی صبان (م ۱۲۰۶ هـ) در کتاب اسعاف الراغبین (ص ۱۴۵)؛

د. شیخ حسن عدوی حمزاوی مالکی (م ۱۳۰۳ هـ) در کتاب مشارق الانوار (ص۱۱۲).

به هر حال بخشی از احادیث نقل شده در صحیح مسلم و بخاری را نمی توان جز به

حضرت مهدی علیه السلام نسبت داد یا تفسیر کرد. این برداشت و استنباط ما در فهم حدیث های این دو کتاب نیست؛ بلکه از مطالب مورد اتفاق پنج تن از شارحان صحیح بخاری است که در بخش مربوط به آن توضیح داده می شود.

حدیث های صحیح مسلم و بخاری که در ارتباط با حضرت مهدی علیه السلام تفسیر شده است:

۱. احادیث خروج دجال در صحیحین

بخاری در صحیحش به یک روایت درباره خروج دجال و فتنه او، بسنده کرده است. در حالی که در صحیح مسلم، ده ها حدیث درباره خروج، روش، اوصاف، خرابکاری، فساد، لشکرکشی و سرانجام او نقل شده است و در روایاتی دجّال از جمله علامات ظهور و خروج حضرت مهدی علیه السلام شمرده شده است.

۲. احادیث نزول عیسی علیه السلام در صحیحین

بخاری و مسلم هر دو با اسناد خود از ابوهریره نقل کرده اند که گفت:

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

«چگونه اید اگر پسر مریم بر شما فرود

ص:۱۰۵

آید، در حالی که امامتان از شما باشد؟»(۱)

مسلم با اسنادش از جابر بن عبداللّه آورده است:

«شنیدم پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: گروهی از امتم آشکارا تا روز قیامت بر اساس حق پیکار می کنند. پس عیسی بن مریم فرود می آید. فرمانده گروه گوید: بیا و با ما نماز بگزار [امامت کن]! می گوید: خیر، به درستی که برخی از شما به پاس گرامی داشت این امت بر دیگران امیر هستند.»(۲)

اگر به دیگر کتاب های حدیثی اهل سنت _ از صحیح و مسند و غیره _ مراجعه کنیم، روایات فراوانی را می یابیم که به صراحت بیان می کنند که فرمانده گروهی که تا روز قیامت بر پایه حق پیکار می کنند، کسی جز حضرت مهدی علیه السلام نخواهد بود. به عنوان نمونه چند حدیث را ذکر می کنیم:

الف. ابن ابی شیبه از ابن سیرین نقل کرده است:

«مهدی از این امت و همان کسی است

۱- صحیح بخاری، ج ۴، ص ۲۰۵، کتاب الانبیاء ؛ و صحیح مسلم، ج ۱، ح ۲۴۴، ص ۱۳۶

۲- صحیح مسلم، ج ۱، ح ۲۴۷، ص ۱۳۷

که بر عیسی بن مریم امامت می کند».(۱)

ب. ابونعیم از ابن ابی عمرودانی از حذیفه نقل کرده است:

«رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: مهدی علیه السلام نظر افکند در حالی که عیسی بن مریم فرود آمده، گویی آب از موهایش می چکد. سپس حضرت مهدی علیه السلام می گوید: جلو برو و با مردم نماز بگزار. پس عیسی علیه السلام گوید: نماز تنها برای شما برپا شده است. پس [عیسی] پشت سر مردی از فرزندان من نماز می گزارد».(۲)

در کتاب فتح الباری فی شرح صحیح البخاری، به تواتر حدیث های مهدویت تصریح شده است؛ از جمله در شرح حدیث پیشین، می گوید:

«نماز خواندن عیسی پشت سر مردی از این امت ــ با توجه به اینکه در آخرالزمان و نزدیک قیامت است ــ نشانگر صحّت و درستی گفته هایی است که می گوید: به درستی که زمین از قائمی برای خدا یا حجت خالی

۱- المصنف ، ج ۱۵، ح ۱۹۴۹۵

۲- الحاوی للفتاوی ، ج ۲، ص ۸۱

نخواهد ماند».(۱)

قسطلانی در شرح بر بخاری، این حدیث را به حضرت مهدی علیه السلام تفسیر کرده، می گوید: حضرت عیسی علیه السلام در نماز به امام مهدی علیه السلام اقتدا می کند.(۲)

این مطالب در عمده القاری فی شرح صحیح البخاری نیز وجود دارد.

در کتاب فیض الباری در تفسیر حدیث بخاری تأکید بیشتری هست. در این کتاب، حدیثی از ابن ماجه قزوینی آورده و سپس می گوید: پس مصداق «الامام» در این حدیث همان «امام مهدی» است.(۳)

در حاشیه البدرالساری الی فیض البخاری شرح مفصلی درباره حدیث فوق آورده و توضیح می دهد که شارح حدیث، باید به احادیث دیگر صحابه در همان زمینه مراجعه کند. لذا جمع حدیث هایی که مبین این حدیث بخاری است، او را بر آن داشت که

۱- فتح الباری ، ج ۶، صص ۳۸۳ _ ۳۸۵
۲- ارشادالساری فی شرح صحیح البخاری ، ج ۵، ص ۴۱۹
۳- فیض الباری ، ج ۴، صص ۴۴ _ ۴۷

تصریح کند: مراد از امام همان، امام مهدی علیه السلام است. سپس می افزاید: این معنا را حدیث ابن ماجه به تفصیل روشن کرده که استناد آن هم قوی است.(۱)

۳. احادیث صحیح مسلم «درباره کسی که مال ها را می بخشد».

مسلم با اسناد خود از جابربن عبداللّه آورده است:

«رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: در اواخر دوران امتِ من، خلیفه ای خواهد آمد که مال را می پاشد [فراوان می بخشد] و هیچ شمارش نمی کند».(۲)

وی این حدیث را از طریق های دیگری از جابر و ابوسعید خدری از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل می کند. صفت «پاشیدن مال» مبالغه در فراوانی است و در کتاب ها و روایات اهل سنت، هیچ موصوفی جز حضرت مهدی علیه السلام ندارد.

ترمذی با اسنادش از ابوسعید خدری از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل می کند:

۱- حاشیه البدر الساری الی فیض البخاری ، ج ۴، ص ۴۴

۲- صحیح مسلم (به همراه شرح نووی)، ج ۱۸، ص ۳۸

«به درستی که مهـدی در امت من است... [تا آن جا که فرمود] پس مردی نزد او می آیـد و می گوید: ای مهدی [مالی] به من بده، پس به اندازه توان حمل کردن او، در پیراهنش پول می ریزد».(۱)

این حدیث از ابوهریره و ابوسعید خدری و ده ها طریق دیگر نقل شده است.

۴. احادیث خسف بیداء در صحیح مسلم

مسلم در صحیح با اسناد خود از عبیداللّه بن قبطیه آورده است:

«حارث بن ابی ربیعه بن صـفوان همراه با من بر ام سلمه، ام المؤمنین وارد شدیم. از او درباره لشکری که به زمین فرو می رود، پرسـیدند (این در دوران عبداللّه بن زبیر بود). ام سـلمه گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: پناهنده ای در خانه خـدا پناه می برد، آن گاه گروهی را به دنبالش می فرسـتند، هنگامی که آنان به بیداء می رسـند، زمین آنها را در خود فرو می برد».(۲)

ص:۱۱۰

۱- سنن ترمذی، ج ۴، ح ۲۲۳۴

۲- صحیح مسلم (به همراه شرح نووی)، ج ۱۸، صص ۴-۷

شبهه دوم: ابن خلدون و احادیث امام مهدی علیه السلام

منکران عقیـده ظهور حضـرت مهـدی علیه السـلام، به خـدشه هـایی که توسـط ابن خلـدون به احادیث «مهـدویت» وارد شـده، تمسک کرده و چنین نتیجه می گیرند که همه این احادیث بی اعتبار است. اسـتادِ الازهر، سعد محمدحسن، شاگرد احمد امین درباره این احادیث می گوید:

علمای حدیث و نقادان و حدیث پژوهان به تفصیل و نقد و بررسی این مجموعه از احادیث پرداخته اند و علامه ابن خلدون به شدت آنها را رد کرده است.(۱)

همین برداشت را نزد استاد وی احمـد امین نیز می یابیم. ابوزهره، محمـد فریـد وجـدی و دیگرانی مثل جبهان و سائح لیبی هم این نظر را دارند: «ابن خلدون این احادیث را نقادانه پی گیری کرده و تک تک آنها را

ص:۱۱۱

۱- المهدیه فی الاسلام ، ص ۶۹

ضعیف شمرده است».(۱)

پاسخ: حقیقت تضعیف های ابن خلدون

ابن خلـدون برخی از احادیث «المهـدی» را صـحیح می داند؛ چنان که برخی دیگر را ضـعیف می شـمارد. به نظر می رسد که احمد امین و شاگردانش، به تصریح ابن خلدون به صحّت برخی از این احادیث توجه نکرده و تنها تضعیف های وی را دیده و از آنها یاد کرده اند!

نکته دیگر اینکه آیا تصـریح علمای درایه به «صـحت» و «تواتر» این احادیث کافی نیست؛ به ویژه آن که تخصـص ابن خلدون تاریخ و جامعه شناسی بوده است، نه علم حدیث!

افزون بر این، مگر شـمار احادیثی که ابن خلـدون ضـعیف شـمرده، چه قدر است که عمل وی چنین بزرگ نمایی می شود. او تنها نوزده حدیث از مجموع ۲۳ حدیث این باب را تضعیف کرده و این تمامی روایاتی است که وی بررسی و نقد کرده است. او تنها از هفت

۱- مجله الدعوه الاسلامیه ، ش ۱۰، مقاله تراثنا و موازین النقد، ص ۱۸۵

نفر نـام برده که احادیث «المهـدی علیه السـلام » را روایت کرده انـد؛ یعنی، ترمـذی، ابوداود، بزّار، ابن ماجه، حاکم، طبرانی و ابویعلی موصلی.(۱)

به همین دلایل ابن خلـدون مورد مواخـذه شدیـد قرار گرفت و ابوالفیض، کتاب «ابراز الوهم المکنون من کلام ابن خلدون» را در رد او نوشت.

علاوه بر این خود ابن خلدون چهار حدیث زیر را صحیح دانسته است:

۱. روایت حاکم از طریق عوف اعرابی، از ابوصدیق ناجی، از ابوسعید خدری؛

۲. روایت حاکم از طریق سـلیمان بن عبید، از ابوصدیق ناجی، از ابوسـعید خدری (ابن خلدون درباره اش می گوید: «اسـنادش صحیح» است).

۳. روایت حاکم از حضرت علی علیه السلام درباره ظهور مهدی علیه السلام (ابن خلدون اسناد آن را صحیح می شمارد).

۴. روایت ابوداود سجستانی، از صالح بن ابی خلیل، از ام سلمه (ابن خلدون درباره اش می گوید: «دارای رجال صحیحی است که غیر

۱- تاریخ ابن خلدون ، ج ۱، فصل ۵۳، ص ۵۵۵

موثق و مجهول در میان آنان به چشم نمی خورد»).(۱)

نتیجه

با پژوهش در احادیث امام مهدی علیه السلام در منابع روایی شیعی و سنی، روشن می شود که هر دو مکتب، در مسأله مهدویت و اصول و امور کلی آن با همدیگر متحد و متفق هستند. با این حال به نظر می رسد که احادیث اهل سنت درباره امام مهدی علیه السلام، از دو ویژگی برخوردار است:

۱. احادیث مهدویت اهل سنت از جهت تعداد، کمتر از احادیث شیعی است، ۲. این احادیث، بیشتر به امور کلی پرداخته و کمتر مسائل جزئی مهدویت را در نظر گرفته است.

این وضعیت، بیشتر از آن نشأت می گیرد که آنان فقط به احادیث پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و صحابه اکتفا کردند و در اثر خودداری از تمسّک به اهل بیت علیهم السلام، از احادیث آنان محروم شدند. علاوه براینکه حدود یکصد سال از احادیث

۱- برای توضیح بیشتر ر.ک: المهدی المنتظر فی الفکر الاسلامی و در انتظار ققنوس

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نیز جدا افتادند؛ در حالی که شیعه و محدثان شیعی همیشه با خاندان وحی مرتبط بوده اند.

بنابراین با توجّه به روایات ائمه علیهم السلام _ که حجت و معتبر بوده و می تواند دوشادوش کلام پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به تشریح و تبیین احکام و معارف بپردازد _ می توان تصویری کامل از مهدی موعود، به جهانیان عرضه کرد و قلوب آنان را مالامال از محبت امام زمان علیه السلام نمود و آنها را برای پیروی از حضرتش آماده کرد.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ یَسْتَوِی الَّذِینَ یَعْلَمُونَ وَالَّذِینَ لَا یَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که مـا را در دستیـابی به این هـدف یـاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادنـد تقـدیر و تشـکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصـفهان -خیابان عبـدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شـهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹